



Адабиёт ва Ҷамъият

Ҷабиған Ду Аинд Қариг

Ҷабиған

Аз Арған Қасадан

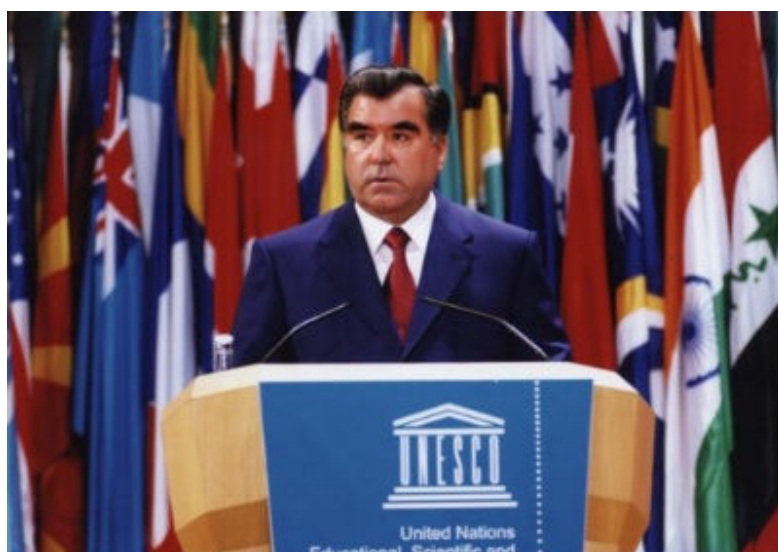
تاجیکان

در آینه تاریخ

کتاب سوم

از آریان تا سامانیان

نوشته: امامعلی رحمانف



دوشنبه

« عرفان »

۲۰۰۶

بني آدم امضاي يک يگړنډ که در آفرينش ز يک گوهرنډ

چو مضوي به درد آورد روزگار دگر مضوها را نماند قرار

سعدی

پاپ اول: انسانیت در آستانه خطرهای گلوبالی

- خطرهای گلوبالی^۱ عمومی بشری و پیشامدهای آن در آغاز هزارساله

سوم

هزارساله دوم با همه گرمی و سردی و برد و باختهايش پس سر ماند و برای انسانیت، هزاره سوم آغاز یافت. در طول صد سال اخیر، اهالی کره ارض چهار برابر افزوده، انسانیت آخرین گوشه‌های دست نارس زمین را کشف کرد و به فتح کاینات رو آورد. کیهان‌نوردان از بلندی بی‌انتهای آسمان به سیاره ما نگرسته، پای بردند که زمین با همه بزرگی و پهناوری عرض و طولش در قیاس اندازه‌های کیهانی از توپ دستی بیش نیست.

در انتهای قرن ۲۰ و آغاز قرن ۲۱ انسانیت شاهد رخداد‌های بزرگ و حیرت‌انگیز جهان پرتلاطم گردیده، نظام استوار و کاملاً تشکّل یافته طرح سیاسی و اقتصادی سیاره رو به تحولات و دگرگونیهای انقلابی آورد. دولتهای ابرقدرت و نظامهای فراگیر سیاسی که به قیمت جان میلیون‌ها فدائیان انقلاب مردمی و آزادی‌خواهی در دوام ده‌ساله‌ها بنیاد گردیده بودند، بر اثر تظاهرات دموکراتیک، جنبشهای ملی آزادی پرستی و روندهای تازه استقلال‌خواهی درهم شکسته، از میان رفتند.

در عین حال با تقاضای مجرای جهانی‌شوی و گسترش روند جهان‌شمولی و وابستگی متقابل دولتها و کشورها و ملتها و تمدنهای مختلف گسترش یافته، دستاوردهای عمومی، معیارهای جامعه دموکراتیک و ارزشهای اصیل ملی وسعت پذیرفتند. گذشته از این، در کره زمین نه تنها مرزبندی حوزه‌های ژئوپولیتیکی و اقتصادی و استرژیک نظام شکل تازه می‌گیرد، بلکه حدود تمدنهای قدیم و جدید از نو مرزبندی گردیده، ملتهای خرد و بزرگ دایره فرهنگ و تمدن خویش را از حساب به همدیگر نزدیک گردانیدن تمدنهای همجوار توسعه می‌بخشند. دولتهای تازه استقلال از فشار نظامهای خودکامه سیاسی رها گردیده، در تلاش تحکیم استقلالیت، تقویت بخشیدن خودشناسی و خودآگاهی ملی و دریافت مقام و منزلت مناسب در جامعه معاصر هستند و احیای حیرت‌انگیز دولت و ملت خویش را از سر می‌گذرانند.

^۱. گلوبالی: سراسری، جهانی، عمومی بشری، همگانی

بدین ترتیب، در قرن حاضر روندها و تمایلات جامعه بشری، تحولات پیگیرانه علم و فن و فناوری معاصر جایگاهی رفیع دارد که بعضی جامعه‌شناسان از فرارسی دوره کاملاً نو - جهانی‌شوی تمدن اطلاعاتی و وسعت‌یابی جهان‌شمولی همچون محور پیش‌برنده جامعه انسانی اظهار اندیشه می‌نمایند.

جهان امروز جانب تمدن اطلاعاتی گامهای قطعی‌تر می‌نهد که مهمترین خصوصیت آن وصل فاصله‌های زمانی و مکانی و انتشار دستاوردهای علمی و فرهنگی می‌باشد. تمدن اطلاعاتی قطب‌نمای سمت نو رشد انسانیت بوده، ماهیت اصلی آن را انتشار و مبادله بی‌حد و مرز اطلاعاتی، رشد وسایط اینترنتی، کارکرد و پخش برنامه و اخبار و گسترش ارتباط ماهواره‌ای، بیشتر وسعت یافتن امکان فناوری رایانه‌ای و وسایط اطلاعاتی را فرا خواهد گرفت.

با شرافت وسعت یافتن تمدن اطلاعاتی، ارتباطاتی و دستاوردهای علمی معاصر ما از اخبار کشورهای دورترین سیاره هر روز و هر ساعت آگاه می‌گردیم و از واقعه‌های جهان، آفت‌های طبیعی، مناقشه‌های سیاسی، برخورد منفعتهای اقتصادی، پیشتازی و رقابتهای فرهنگی و اختلاف آشکار و نهان تمدنهای مختلف را از طریق صدا و سیما می‌شنویم و می‌بینیم. امروز در سراسر جهان بازار وسایط اطلاعاتی و رسانه‌های خبری بسا گرم است. پیشرفت فنی و فناوری اطلاعاتی فاصله فضا و وقت و مکان و زمان را کوتاه کرده، روند جهان‌شمولی را در دنیا پیوسته تحکیم می‌بخشد. موج بی‌انتهای اخبار هر دقیقه و هر ساعت از شبکه‌های صدا و سیما، شبکه جهانی اینترنت و اطلاعات رایانه‌ای، صفحه‌های روزنامه‌ها و جراید و دیگر واسطه‌های اخبار فرو می‌ریزد و همچون قاصد به جهانی‌شوی اقتصاد و سیاست، علم و فرهنگ و سایر رشته‌های دیگر فعالیت بشریت مساعدت می‌کند.

امروز از شرافت جهان‌شمولی و جهانی‌شوی اطلاعات هر فرد دل‌آگاه در کنج خانه‌اش نشسته، چهار سمت کره زمین و هفت خط اقلیم آن را که یک قرن مقدم پدر و بابایانمان حتی در طول عمرشان دیده نمی‌توانستند، توسط موج‌ربا و ماهواره‌های تلویزیونی با همه مرکبی و گوناگون‌رنگی، زیبایی و نفاست، اختلاف و ضدیتهای آشکار و نهان و دهشت و فاجعه‌های آشتی‌ناپذیرش مشاهده می‌نماید.

جهان‌شمولی از یک طرف مناسبت‌های نزدیک خلقها و ملت‌ها و کشورها و دولتها را وسعت بخشیده، سبب‌کار تشکّل نظام فراگیر و عملاً گلوبالی روابط سیاسی و اقتصادی،

وسایله‌های فناوری و اطلاعاتی، دستیابی به کامیابی‌های نوین و ارزشمند بشری، صرفه‌جویی ذخیره‌های گوناگون، تنظیم بهتر فعالیت‌های مختلف عمومی جهانی و منطقه‌ای، بویژه گسترش مناسبت‌های تجاری، همکاری‌های مالی و اکولوژی و دیگر پدیده‌های مهم می‌گردد. ولی از جانب دیگر، اکثراً تحت تأثیر بی‌واسطه جهانی‌شوی فرق بین کشورهای متری و عقب‌مانده عمیق‌تر شده، فشار به ساختارها و ارزشهای ملی و فرهنگی خلقها نهایت شدت می‌گیرد، دعوای برتری‌جویی از جانب بعضی کشورهای پیش‌صف این روند واضح گردیده، در عین حال فعالیت شبکه‌های تروریستی و افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر و فروش سلاح خصوصیت تقریباً گلوبالی یا همگانی کسب می‌نماید. روحیه برخورد تمدن‌ها نسبتاً تقویت یافته، در روند پرتلاطم جهان‌شمولی ارزشها و معیارهای عمده جهانی تشکّل می‌یابند و دنیای معاصر بار گران ثروت‌های تاریخی و میراث کهن ملی را کشیده نمی‌تواند. ارزشهای کهن قیمت اجتماعی خود را باخته، بتدریج از میان می‌روند و مقام آنها را ارزشها و معیارهای نو جهانی می‌گیرد.

به اندیشه من، نتیجه از همه ناگوار و حتی خطرناک روند جهان‌شمولی کاهش یافتن اخلاق، معنویات، آداب، سنت، فرهنگ و عنصرهای دیگر اجتماعی است که بی آنها هستی حقیقی انسان عملاً غیر امکان‌پذیر است. همزمان با مجرای جهانی‌شوی، روند خودشناسی پیگیرانه ملت و خلق‌ها، فرهنگ و تمدن‌ها و کشورها و منطقه‌ها ادامه دارد که آن عامل مهمترین تحولات بزرگ جهانی در آغاز قرن ۲۱ گردیده، منبعا نیز سبب‌گذار تغییرات و دگرگونی‌های عمیق‌تر شده می‌تواند.

انسانیت با وجود آن که با نیروی عقلانی در فتح سیاره خویش و کشف کاینات به دستاوردهای بی‌سابقه دست یافته است، هنوز هم به یک روزگار آسوده، پاک و آزاده و عاری از محرومیت و تضادها نرسیده است. در فضای شبکه‌های تلویزیونی، فرهنگی و اطلاعاتی جهانی، فیلمنامه‌های ماجراجویانه، جنگ و کشتار، غارت و تحقیر، زورآوری و تخریبکاری، فساد اخلاق انسانی و نهایت از اصالت ازلی خویش دور شدن آدمیزاد تارفت می‌افزاید. مقام و مرتبه انسان، اصالت و آرمانهای والا، شأن و اعتبار و جهان مادی و معنوی او با این همه انقلاب و تحولات، موفقیت و مظفریتهای علمی و فرهنگی و دستاوردهای بی‌سابقه فنی و فناوری هنوز هم نامکمل و پیچیده و گرفتار محدودیتهای اعتقادی و مذهبی و منفعت‌های اقتصادی و سیاسی می‌باشد.

اهل بشر در طول تاریخ زندگی خود برای دستیابی به یک روزگار بی‌خشونت، آسوده و عاری از جنگ و اختلافها، آن قدر کتابهای کثیر و آثار برنامه‌ای زیست ایجاد کرده است که اگر آنها را روی هم گذاریم، شاید ستون آسمان شوند. اما صرف نظر از آن که انسان امروز نظر به نسب هزار سال پیش زیستش با خطرهای فاجعه‌بار و مشکلات سنگین رو به رو گشته است؛ در همزیستی انسان و جهان معاصر ما وحدت و هماهنگی، رابطهٔ مصالحت‌آمیز، کوشش بدون زورآوری و از طریق صلح و سازش حل نمودن مشکلات عمومی بشری و خطرهای گلوبالی را قریب نمی‌بینیم، حتی دوری جستن دایره‌های معین خلق‌ها و کشورهای علیحده را از مسلک انسانی، فرهنگ معاشرت و اصالت ازلی مشاهده می‌کنیم. به نظر من، علت اساسی در آن است که انسانیت در این سیارهٔ کوچک وظیفهٔ ازلی بود و باشش را برمحل نادیده گرفته، خودپرستی را پیشه کرد، راه مراسم و صلح و سازش و از میان بردن اختلاف و خونریزیها را سهل پنداشت، از شناخت وحدت و منش نیک سر پیچید، در مسلک پندار و گفتار و کردار نیک زیستن و به همدیگر شفاعت و مدد کردن را تارفت بیشتر به دست فراموشی داد. حال آن که تمام محرومیت، تلاش و مبارزه‌های بی‌آخر، عذاب و آزار و فاجعه‌های خونبار سرنوشت انسان از نفهمیدن ماهیت هستی خود و اصل آفرینش در عالم امکان سر زده است.

هر بار که با چشم خرد در طول یک قرن اخیر به راه پیمودهٔ بشریت نظر می‌افکنیم، بی‌اختیار احساس می‌نماییم که سیارهٔ زمین با همهٔ بزرگی و پهناوری‌اش برای اهل بشر چون مادر عزیز است و در گهوارهٔ خویش طفل پایندهٔ حیات و نهال همیشه‌سبز زندگی را می‌پرورد. انسانیت گرچندی بر اثر فتح و نصرتهای علمی و دستاوردهای فناوری با سرعت کیهانی پیش رفته، قدرت بی‌انتهایی را صاحب گشته باشد هم، سیارهٔ سبز زمین در قیاس بمبهای اتمی و سلاحهای هسته‌ای و دیگر خطرهای گلوبالی، شیشهٔ نفیس و نازکی را می‌ماند که از رقابت کشورهای ابرقدرت و سودپرستی و منفعت‌جویی دولداران، خطر شکستش روز تا روز می‌افزاید.

ما همه شاهد آن بودیم که در ده سال آخر قرن ۲۰ در خریطهٔ سیاسی عالم دگرگونیهای عظیم رخ داده، سیستم جهانی سوسیالیزم در قطعه‌های اروپا، آسیا و افریقا از بین رفت و نظام جهانی یک‌قطبی با تأکید افضلیت و برتری ارزشهای دموکراتیک و معیارهای جامعهٔ سرمایه‌داری قدرت بزرگ عملی را صاحب شد. امپراتوری ابرقدرت اتحاد شوروی و

ایدئولوژی آن به ناکامی دچار شده، در حدود آن دهها دولتهای صاحب استقلال پدید آمدند. نظام سیاسی جهان تغییر یافته، تقسیم‌بندی ژئوپلیتیکی سیاره جریانی تازه پیدا کرد. ولی با شکست ساختار اتحاد شوروی، خطرهای گلوبالی به جای کم شدن، تارفت بیشتر افزوده، امروز مبارزه‌های آشکار و نهان دولتهای ابرقدرت برای به دست آوردن بازارهای جهانی، ذخیره‌های مواد خام، منابعهای انرژی طبیعی باز هم بیشتر تیز و تند می‌گردد. مرزبندیهای تازه منطقه‌ای و اقتصادی و ژئوپلیتیکی جهانی وسعت پذیرفته، خصوصتهای قومی و نژادی و نزاعهای اعتقادی و مذهبی را بیشتر به بار می‌آورند و به روند معتدل حیات در سراسر سیاره خلل وارد می‌سازند.

در طول سالهای اخیر، نظام آرامش نسبی جهان بیشتر کاهیده، در منطقه‌های مختلف کره ارض جنگ، کشتار، سوختار، آفتهای طبیعی و آبخیزی، ترور و تخریبکاری، غارت و تحقیر، نشئه‌مندی و فساد اخلاقی انسانی و نهایت به همدیگر دشمنی ورزیدن و کاسته شدن مهر و محبت انسانها بیشتر به مشاهده می‌رسد.

امروز مقیاس و اندازه خطرهای همگانی جهانی و منطقه‌ای افزوده، به سرنوشت کل انسانیت و امنیت دولتها و کشورهای خرد و بزرگ تهدید می‌نماید. این خطرها از جهت مضمون و ماهیت، هدف و مقصدهای نهایی، فضای گسترش و جنبه پهن‌شوی خصوصیت گلوبالی داشته، با وجود فضل فروشی‌های دروغین، عاقبت مدهش، فاجعه بار و هلاکت‌آور دارند و نهایت می‌توانند سببگار نیست شدن حیات در سراسر کره زمین گردند.

این خطرهای گلوبالی یا همگانی بشری قبل از همه، به افزودن استحصال و اختراع مدهشترین گونه‌های سلاح هسته‌ای و دیگر واسطه‌های قتل عام، کاهش روز افزون منابع طبیعی و ثروتهای نادر زیرزمینی، تلاشهای آشکار و نهان دولتهای ابرقدرت برای به دست آوردن منابعهای سوزشواری و انرژی و اشیای خام صناعی و استراتژی، رقابت شدید ژئوپلیتیکی برای منطقه‌های مهم اقتصادی و تقسیمات نو بازارهای جهانی، تشکل و تحوّل مرزبندیهای جدید حوزه‌های بزرگ اقتصادی و ژئواستراتژی و غیره می‌باشند که وابسته به برخورد منفعتهای جهانی و منطقه‌ای دولتهای ابرقدرت در سراسر سیاره وسعت می‌پذیرند.

گذشته از این، عنصرهای روز افزون جنایتکاری متشکل، تروریزم بین‌المللی، افراط‌گرایی دینی، گردش غیر قانونی مواد مخدر و قاچاق سلاح، همچنین افزودن اختلافات مذهبی، ضدّیتهای قومی و نژادی، برخورد تمدّن و تمایلهای ایدئولوژیکی، ترغیب غایه‌های

تخریبکاری و زورآوری، جنگ و کشتار، اخلاق ناشایسته و فسق و فجور از طریق اطلاعات و وسایط اخبار، تارفت بیشتر خطر عمومی جهانی پیدا می‌کند.

باز خطرهای افزودن فرقیّت بین دولتهای دارا و نادار، در دست نگران انگشت شمار گرد آمدن سرمایه جهانی، به علت مهم و عمده جهانی تبدیل یافتن بیکاری و محتاجی، بالاروی نظام جمعیت عمومی جهانی و افزایش اهالی کشورهای به اصطلاح نادار، مهاجرت عاموی اداره نشونده و تنظیم ناپذیر، افزودن سطح نارضایتی و عکس‌العملهای فاجعه‌انگیز و انقلابی اهالی نادار و بینوا و غیره، به یک مسئله حل طلب گلوبالی تبدیل می‌یابد که خواه ناخواه نظارت، به نقشه‌گیری و تنظیم عمومی جهانی را تقاضا می‌نماید.

اضافه بر همه این خطرهای طبیعی و اکولوژی و آفت‌های طبیعی غیرمنتظره - از قبیل زلزله، آبخیزی، تندباد و طوفانهای شدید، بلندشوی حرارت و آبشوی پیریخها، خشکسالی یا باران‌گریهای از معیار افزون و غیره موافق معلومات سازمان ملل متحد و یونسکو، سال تا سال برای انسانیت خطرهای بیشتر گلوبالی ایجاد کرده، صدها میلیارد دلار امریکایی ضرر می‌رساند. تنها به یاد آوردن آفت زمین‌جنبی‌های شدید در شهر بم جمهوری اسلامی ایران و شهر مظفرآباد جمهوری اسلامی پاکستان و زلزله و طوفانهای فلاکت‌بار اقیانوس هند در قلمرو اندونزی (بر اثر آن ۲۰۰ هزار کس قربان شدند) و طوفانهای اقیانوس آتلانتیک (با عنوان کاترینا و روتا) در ایالات متحده امریکا برایمان کافی است که ضرر اقتصادی آنها را کارشناسان بیش از ۱۰۰-۱۲۰ میلیارد دلار امریکایی ارزیابی کرده‌اند. حال آن که خطر گرسنگی، نرسیدن آب آشامیدنی، کاهش مساحت زمینهای کشت و ذخیره‌های غذا، سال تا سال خراب شدن وضع محیط زیست و آلودگی هوا، افزودن بیماریهای سرایتی و دهها عاملهای طبیعی و اجتماعی مشکلات عمومی بشری می‌باشند که ضرورت همدستی و فعالیت مشترک و همکاریهای مستقیم کل دولتها و کشورها را پیش می‌گذارد.

خطرهای گلوبالی ذکرشده با مقیاس و اندازه بزرگش حتی از قدرت یک یا یک چند دولت ابرقدرت بیرون بوده، متحد نمودن اقتدار و امکانهای کل دولتهای عالم، به راه انداختن رابطه مصالحت‌آمیز و میل و اراده نیک حل مشکلات و خطرهای عمومی بشری را به خاطر صلح و امنیت آینده سیاره تلقین می‌کند.

و گر نه بن‌بست و یا ورطه آخرین فناشوی در پیش‌روی انسانیت چون یک چشم حریص طعمه واپسینش را انتظار است! بهترین موجود آفریدگار و خلیفه عزیز و گرامی او خود را با

همهٔ افضلیت و دستاوردهایش رو به ورطهٔ نیستی می‌برد. همان مسئله و یا مشکلات حیات و ممات، بودن یا نبودن که در پیشروی انسانیت هزارساله‌ها باز قرار دارد، اکنون در ترکیب سلاح هسته‌ای و تخریبکاری بی‌امان به گهوارهٔ همزیستی آدمان، یعنی زمین تهدید می‌نماید: به این معنی که یا مرا به نفع خود خردمندانه و عاقلانه استفاده می‌نماید، یا من کل موجودات زنده، جنبهٔ حیات و هستی انسانیت را در سراسر سیاره کاملاً از میان می‌برم.

جراحتهای مدهش سیارهٔ ما از اثر دو جنگ بزرگ جهانی که حیات زیاده از ۶۰ میلیون آدمان را ربوده بود، هنوز شفا نیافته است. انسانیت از زمان پیدایش عالم این گونه جنگهای خان و مان سوز و فاجعهٔ مدهش عمومی جهانی را از سر نگذرانیده بود. جنگ دوم جهانی از روی مقیاس و اندازه دهشتناکترین جنگ تاریخ بشریت بوده، در آن بیش از ۷۲ دولتهای خرد و بزرگ عالم شرکت ورزیدند و دامنهٔ عملیتهای حربی به حدود ۴۰ دولت جهان وسعت یافتند. در نبردهای دامنه‌دار این جنگ بیش از ۱۱۰ میلیون افسران و سربازان سفربر شده، تقریباً ۳۰ میلیون آنها در زد و خورهای خونین هلاک گردیدند. از روی حساب کارشناسان ضرر عمومی این جنگ به ۴،۵ تریلیون دلار امریکایی رسیده، در نتیجه کشورهای زیاد خراب، بیشتر از ۵۰ میلیون آدم قربان و صدها میلیون اهالی مملکتهایی که به گرداب جنگ کشیده شده بودند، به محرومیت و محتاجیها گرفتار گردیدند. ترکش بمبهای اتمی در هیروشیما و ناگازاکی بار دیگر نشان داد که سلاحهای هسته‌ای و راکتهای دورپرواز و میان‌پرواز بالستیکی قادر است جوهر حیات را از روی زمین نیست کند.

ناگفته نماند که از روی تحقیقاتهای ارثی و ژنتیکی تجزیهٔ هستهٔ اتمی و فلاکتهای نیدروژنی نه تنها محیط زیست را خراب ساخته، منبع حیات را از روی زمین می‌رباید، بلکه تأثیر شعاعهای نیدروژنی و بلندشوی تشعشع به چسپش خروماسومها و کاهیدن ژنتیکی ارثی انسان آورده می‌رساند. دقیق‌ترش جوهر ارثی انسان و سرشت مایهٔ ذاتی او از اثر زهرآلودشوی نیدروژنی آسیب شفاناپذیر دیده، به قابلیت جسمانی و روحی نسلهای منبعه تأثیر ناگوار می‌رساند.

وقت آن رسیده است که ترقیات باسرعت علم و تکنیک و کشفیتهای نو به نو فناوری معاصر به منفعتهای عالی انسانی و حفظ بی‌خطری سیاره روانه شوند. زیرا در زمینهٔ دستاوردهای نوترین علم بیولوژی و ژنتیک خطر پدید آمدن تروریزم ژنتیکی از احتمال دور نیست که برای انسانیت از تروریزم واقعی دهها برابر عاقبتهای مدهش و فلاکت‌بار دارد.

تحقیقات نوترین علمی معاصر، علی‌الخصوص آزمایشهای خطرناک هسته‌ای، سنجشهای مؤثر بیولوژی و ژنتیکی، تجربه‌های مرگ‌آور طبی و اکولوژی باید تحت نظارت باشند و عاقبت‌های ناگوارشان پیشگویی کرده شوند. پیشرفت علم و دستاوردهای نوترین آن باید محض برای زندگی سالم، حفظ نسل‌های آینده، تأمین امنیتی سیاره و بی‌خطری اکولوژی خدمت کنند. وگرنه روزی می‌رسد که عالمان ساحه بیولوژی و ژنتیکی مهندسی مثل انشتین یا اوپنهاইمر انگشت تأسّف گزیده، از کار کرده خود اظهار پشیمانی می‌نمایند.

روند رقابت تسلیحاتی باشتاب و افزودن عاقبت‌های فاجعه بار آن دو دولت ابرقدرت جهانی - ایالات متّحده امریکا و اتّحاد شوروی را وادار ساخته بود که استحصال سلاحهای ئیدروژنی را در نظام معین نگاه داشته، تناسب اقتدار حربی و سلاحهای هسته‌ای اتّفاقیانشان را تحت نظارت گیرند. ولی امروز که بر اثر وسعت یابی نظام یک‌قطبی جهانی برای کشورهای ابرقدرت غرب رقیبی توانا وجود ندارد، اختراع و آزمایش سلاحهای ئیدروژنی به طور آشکار و نهان باز می‌افزاید. در نوبت خود، کشورهای صاحب‌قدرت نوخیز نیز برای حقوق و صلاحیت خود در بابت دسترس نمودن و استفاده نیروی اتم «با مقصدهای آسایشته» تلاش نموده، به سلاح ئیدروژنی و آزمایش آن دست می‌یابند که این عامل نظام نظارت تسلیحات هسته‌ای و رعایت شرطنامه‌های بین‌المللی را تارفت دشوارتر می‌نماید.

اقتدار سلاحهای موجوده ئیدروژنی از روی اندیشه کارشناسان امروز به یک چندمراتبه نیست کردن منبع حیات در روی زمین قادر باشند هم، با وجود این روند سلاحناک شوی به جای کم شدن در میان دولتهای ابرقدرت جهان تارفت می‌افزاید. موافق تحقیقات کارشناسان تنها برای کشفیات نو علمی، از جمله کشفیاتهای ساحه ئیدروژنی جهان غرب سال ۱۹۸۰ تقریباً ۲۴۰ میلیارد دلار صرف نموده باشند، این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۳۶۰ میلیارد دلار امریکایی برابر گردید.^۲

فروش سلاح تدریجاً به یکی از منبعهای سیردرآمد بازار جهانی تبدیل یافته، استحصال یراقهای نوترین قتل عام را وسعت می‌بخشد. تنها ایالات متّحده امریکا برای پیاده نمودن برنامه‌های نظامی خود، سال ۲۰۰۳ بیش از ۳۷۹ میلیارد دلار صرف نمود که از کل بودجه نظامی دولتهای سابق اتّحاد شوروی، چندمراتبه زیاده‌تر است. موافق معلومات انستیتو تحقیقاتی

^۲ - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С. ۱۸.

امنیت بین الخلقی است که بیش از ۳۷ درصد خرج عمومی بودجهٔ حربی جهانی به ایالات متحدهٔ امریکا راست می آید.^۳ بیهوده نیست که سرمایه‌دار مشهور جهان جرج ساروس از اقتدار حربی روز افزون امریکا و تأمین امنیت جهانی به تشویش افتاده، چنین می‌نویسد: «هیچ نظامی بدون تکیه به نیروهای حربی نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ جهان را بی‌شبهه نباید نظامیان اداره نمایند. من چنین می‌شمرم که افزایش نیروهای نظامی ما به قدر کافی بزرگ است، زیرا آنها به جای دیگر مسائل، تنها دربارهٔ افزون ساختن خراجهای حربی اندیشه می‌کنند. تا آن وقتی که ما نظارت ضروری را بر منع گسترش سلاح هسته‌ای تأمین نسازیم، تمدن ما در معرض خطر قرار خواهد داشت. اگر به امنیت ما دیگر دولتها تهدید نمایند، ما برای پیشگیری آن هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم، زیرا به ما لازم می‌آید که به مسئله‌های بیشتر ضروری توجه ظاهر کنیم. تمام تهدیدهای امروزی بدون استثنا ویژگی خاص دارند. ما برتری حربی را بر دیگر دولتها افزایش داده، خود را از این تهدیدها حمایت کرده نمی‌توانیم.

مبارزه برای ضد تروریزم همکاریهای بین‌المللی و تحقیق همه جانبهٔ بین‌المللی را تقاضا می‌نماید. برای این باید ایالات متحدهٔ امریکا از قدرت‌طلبی‌های یک جانبه دست کشیده، به سرخیل (لیدر) سازشنامه‌های بسیار جانبه در بارهٔ از قانون‌شکنی‌ها حمایه کردن جهان تبدیل یابد. «جنگ سرد» به اتمام رسید، از این رو، مفهوم ابرقدرت باید همچون سرخیل جهان آزاد ارزیابی کرده نشود».^۴

هرچند خطر گلوبالی یا همگانی سلاح هسته‌ای و اقتدار بی‌امثال آن برای محو نمودن موجودات زنده و عموماً منبع حیات در روی زمین عیان باشد هم، اختراع کردن نوعهای مدهش‌تر آن در کشورهای غرب و شرق پیوسته ادامه دارد. تنها همین را یادآور شدن کافی است که در آغاز قرن ۲۱ بیش از ۴۴ کشور پیشرفتهٔ جهان فناوری استحصال سلاح ئیدروژنی را از خود نموده است.^۵ خطای ناچیزترین هنگام سر و کار گرفتن با سلاح ئیدروژنی می‌تواند باعث فلاکت مدهش عمومی جهانی گردد و به حیات آدمان سیاره خطر مرگ‌آور پدید آورد. مانورهای مشترک نظامی دولتهای ابرقدرت و به آزمایش و استحصال سلاح ئیدروژنی رو آوردن چندین کشورهای نو عالم باشد، خطر سلاحناک شوی گلوبالی را باز هم بیشتر

^۳ - Сорос Дж. О глобализации. М., ۲۰۰۴.- С. ۱۸۹.

^۴ - Сорос Дж. О глобализации. М., ۲۰۰۴.- С. ۲۱۰-۲۱۱.

^۵ - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С. ۱۳۰.

افزوده، تمایل دگرگون ساختن ترتیبات موجوده جهانی و دستیابی را به سلاحهای نوترین قتل عام تکان می‌بخشد.

از این لحاظ به نظر ما، در آغاز هزارسال سوم یکی از وظیفه‌های مقدس بشریت، ایمن داشتن سیاره از جنگهای نو جهانی، سرزدن فلاکتهای نیدروژنی، اکولوژی، ازدیاد جمعیت، جنایتهای فوق ملیتی، عملیات دامنه دار تروریستی و افراط‌گرایی و دیگر خطرهای مدهش گلوبالی می‌باشد.

خطر دیگر گلوبالی نسبتاً روشن آغاز قرن ۲۱ که با روندهای مذکور پیوند نزدیک و ترکیبی دارد، این سطح و مضمون نو گرفتن شدت رقابت و برخورد منفعتهای گوناگون ژئوپلیتیکی می‌باشد. مبارزه برای ذخیره‌های مواد خام و ظهورات قدرت‌طلبی پدیده دیرین رابطه‌های بین دولتی و بین‌المللی باشد هم، ولی در ابتدای قرن ۲۱ علی‌الخصوص در شرایط محدودشوی با سرعت ذخیره‌های طبیعی، افزودن رقابت شدید سیاسی و اقتصادی، پیشرفت عملاً نامحدود فناوری و تکنیکی، همچنین مبارزه برای دستیابی به ذخیره‌های استراتژی، نظارت منطقه‌های دارای اهمیت حیاتی و حوزه‌های مهم اقتصادی تدریجاً اوج می‌گیرد. این رقابت قبل از همه در اطراف منطقه شرق نزدیک و آسیای مرکزی بالا می‌گیرد که در دوام سالهای آخر به نقطه بسا مهم رقابت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی قدرتمندان جهان تبدیل یافته است.

بر کسی پوشیده نیست که مواد خام، ذخیره‌های سوزش‌واری و انرژی و ثروتهای طبیعی یکی از عاملهای اساسی پیشرفت اقتصادیات و افزودن اقتدار صنعتی و استراتژی دولت می‌باشد. امروز پیشرفت ساحه‌های نو علم و تکنیک و صنعت، از جمله صنعت انرژی اتمی، الکترونیک، هواکيهانی، شیمیایی، حربی و غیره پیش از همه به ذخیره‌های انرژی، فلزات سبک، میکروالمنتهای کمیاب و اشیاهای نادر طبیعی وابسته است. موافق تحقیقاتی کارشناسان در آغاز هزارساله سوم استفاده حصه‌های جهانی انرژی در مجموع ۳۹،۵٪ به نفت، ۲۴،۳٪ به زغال سنگ، ۲۲،۱٪ به گاز طبیعی، ۶،۹٪ به نیروگاههای آبی برقی، ۶،۳٪ به پایگاههای انرژی اتمی راست می‌آید.^۶ از این لحاظ در شرایط کم شدن حجم ذخیره‌های ثروتهای زیرزمینی، ضدیت آشکار و نهان بین کشورهای پیشرفته جهان برای به دست آوردن منبعهای مواد خام

^۶ - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С. ۱۰۵.

استراتژی و ذخیره‌های انرژی اوج می‌گیرد. علی‌الخصوص منبعهای نفت و گاز در جهان امروزه اهمیت گلوبالی پیدا کرده، کشورهای ابرقدرت برای دریافتن و زیر تصرف خود در آوردن آخرین نقطه‌های ذخیره‌های سوزش‌واری در روی زمین تلاش می‌ورزند. امروز در بازار جهانی یگان مواد دیگر صنعتی مثل نفت هنگامه‌های زیاد و رقابت تیز و تند را برخیزانیده، حرص سودجویی و برخورد منفعت دولتهای ابرقدرت را به حد نهایی رسانده است.

آدمان هنوز در آخر قرن ۱۹ به این مایع چسبکی بدبوی چندان اعتبار نمی‌دادند و تصور هم نمی‌کردند که نفت در آینده نه چندان دور باعث خصومت و نگرانی و رقابت تیز و تند دولتهای ابرقدرت و شرکتهای بزرگ جهانی می‌گردد. اختراع محرک با محصولات نفتی بنزین کارکننده در آغاز قرن ۲۰ احتیاجات را به کارکرد نفت افزون نموده، در مدت کوتاهی به یکی از ساحه‌های بسا سیردرآمد صنعتی جهانی تبدیل یافت. افزودن دایره استعمال محصولات نفتی و بالا رفتن طلبات نسبت به سوزش‌واری دیزلی، سوخت جت و روغنهای مالیدنی باعث نفوذ جهانی یافتن ذخیره‌های سوزش‌واری و انرژی گردید. اکنون از اتومبیل عادیترین سر کرده، تا قطار و کشتیها و هواپیما و تکنیکهای کیهانی، همچنین بسیار کارخانه‌های استحصالی و صنعتی، بی محصولات نفتی کار کرده نمی‌توانند.

تنها در جریان جنگ دوم جهانی قریب نصف احتیاجات عملیتهای حربی به نفت و سوزش‌واری و دیگر محصولات انرژی راست آمده، شرکتهای بین‌المللی از فروش آن فایده خیلی بزرگ دیدند. برای قیاس می‌توان گفت که نرخ یک بریل نفت از ۲ دلار سالهای بعد جنگ یکم جهانی در سالهای ۱۹۸۰ به ۳۲-۳۸ دلار^۷ در سالهای ۲۰۰۵ به ۶۵-۷۰ دلار رسید که این گواه طلبات روز افزون به این محصولات ضروری صنعتی و مواد مهم استراتژی می‌باشد.

اما ذخیره‌های طبیعی و ثروتهای زیرزمینی با وجود همه افزونی‌شان تارفت کم شده، به روند سیاست جهانی تأثیر ناگوار می‌رساند و خطرهای نو گلوبالی را در سراسر کره ارض ایجاد می‌کنند. موافق تحلیل عالمان و محققان در دهساله‌های دور و نزدیک قرن ۲۱، ذخیره جهانی چندی از مواد نادر زیرزمینی و اشیاهای خام صنعتی به پایان رسیده، اختلافهای شدید ژئوپلیتیکی و ضدیتهای منطقه‌ای و عمومی جهانی را باز هم بیشتر تیز و تند می‌نماید. موافق

^۷ - Винклер Х. Мировые ресурсы. М., ۱۹۸۰. С. ۲۴۲.

پیشگویی کارشناسان، ذخیره جهانی روی پس از ۱۰ سال، ذخیره جهانی مس پس از ۱۵ سال و ذخیره جهانی نفت پس از ۳۵-۴۰ سال به پایان می‌رسد که همه آنها مواد مهم استراتژی به شمار می‌روند.

گذشته از این، رقابت تیز و تند دولتهای ابرقدرت برای تحت وصایت آوردن منبعهای اساسی تولید نفت، ثروتهای نادر زیرزمینی، منبعهای اورانیوم و دیگر ذخیرههای استراتژی طبیعی، تدریجاً به جنگهای شدید گلوبالی نیز آورده می‌رسانند. بر کسی پوشیده نیست که هدفهای اصلی و نهایی دو جنگ بزرگ جهانی در زمینه تقسیم بازارهای نو بین‌المللی و منبعهای بزرگ ثروتهای زیرزمینی، علی‌الخصوص ذخیرههای نفت و اشیاهای انرژی سر زده بود. در نتیجه محاربه‌های فراگیری جنگ یکم جهانی، قلمرو پهناور ترکیه عثمانی محدود شده، شرق نزدیک و شرق میانه - منبعهای اساسی تولید نفت جهانی تحت وصایت و سرپرستی کشورهای غرب و شرکتهای بزرگ بین‌المللی افتاد. به عبارت شاعرانه، وزیر کارهای خارجی انگلیس لرد کرزون «اتفاقچیان به غلبه در روی موجهای نفت رسیدند».^۸

نقشه جغرافیایی عالم نیز بعد این جنگها کاملاً تغییر یافته، در روی زمین دهها دولتهای مستقل و نیمه مستقل و دو سیستم سیاسی جهانی عرض هستی نمودند. از اثر تبدلات و تحولات و انقلابهای نو جهانی در انتهای قرن ۲۰ این مبارزه‌های آشتی ناپذیر برای قدرت و یگانه‌سازیها باز هم تیز و تندتر شده، برای سرنوشت آینده انسانیت خطرهای مدهش‌تری را ایجاد نمود.

ذخیره‌های اساسی تولید نفت و منبعهای انرژی سیاره ما امروز نیز در شرق میانه و شرق نزدیک، علی‌الخصوص حوزه خلیج فارس، حوزه بحر خزر و بحر قریب واقعند که تقریباً هفتاد درصد استحصال نفت جهانی را فرا می‌گیرند.

ناگفته نماند که در میان کشورهای پیشرفته غرب، تنها صناعت ایالات متحده امریکا می‌تواند در زمینه ذخیره‌های نفتی وطنی احتیاجات خود را قانع نماید. دولتهای دیگر غرب باشند، مواد خام نفت را اساساً از کشورهای شرق میانه و شرق نزدیک، علی‌الخصوص خلیج فارس خریداری می‌نمایند.

^۸ - Винклер Х. Мировые ресурсы. М., ۱۹۸۰. С.۲۴۰.

موافق اندیشه کارشناسان، ذخیره‌های تولید نفت در این خلیج خیلی بلند و پرمحصول بوده، یک نقب به حساب میانه در یک شبانه روز از ۷۰۰ تا ۱۳۰۰ تن مواد خام می‌دهد، در صورتی که از چاه همسان آن در ایالات متحده آمریکا تنها ۴ تن نفت می‌کشند و بس. گذشته از این، ارزش اصلی یک تن نفت حدود خلیج فارس با همه خراج‌ت‌های استحصال انتقالش نظر به نفت وطنی ایالات متحده هفت مرتبه ارزان می‌افتد.^۹ از این لحاظ استحصال و فروش نفت کشورهای شرق نزدیک و شرق میانه به شرکت‌های بین‌المللی خارجی آن قدر درآمد افزون می‌آورد که در دیگر ساحه‌های صنعت آن را به دست آوردن کاملاً امکان‌ناپذیر است.^{۱۰}

روند کاهش ذخیره‌های جهانی نفت، تنقیص محصولات نفتی یا نرسیدن مواد سوزش‌واری، نظام گلوبالی صنعت جهانی را خدشه‌دار نموده، باعث از تپش ماندن نبض ساحه‌های جداگانه استحصالات و عموماً مجرای بامرام حیات در روی زمین می‌گردد. کشورهای ابرقدرت جهان این خطر گلوبالی را بسا خوب احساس می‌کنند و برای پشتیبانی منفعتهای اقتصادی و حفظ امنیت استراتژی خویش تلاش می‌ورزند.

اقتصادیات جهانی بر اثر جهانی‌شوی اطلاع‌رسانی در سالهای نودم قرن گذشته، به مجرای نو انکشاف خود وارد شده، دستیابی را به ثروتهای طبیعی، مواد خام صنعتی و بازار جهانی وسعت بخشید. گذشته از این، سمتهای سیاست جهانی به تارهای اقتصاد جهانی عمیق‌تر پیچیده، در اطراف محور منفعتهای و افزودن قدرت سرمایه به چرخش درآمد. جهانی‌شوی اقتصاد، در نوبت خود به روند سیاست جهانی و دگرگون‌سازیهایی طرح ژئوپلیتیکی سیاره تأثیر رسانده، تقسیمات ثروتهای طبیعی، ذخیره‌های مواد خام و رقابت را در بازارهای جهانی باز هم تیز و تندتر نمود.

نفوذ شرکتهای جهانی و شرکتهای فوق ملیتی افزوده، حدود همه گونه دولتها و مرزها را به خاطر منفعتهای اقتصادی و مقصدهای غرضناک افزودن سرمایه خویش می‌گشایند. آنها به قانونیتهای بازار آزاد و بی‌مانعه جهانی افضلیت داده، ملت‌ها و دولتهایی را که از رابطه و همکاری با آنها سرکشی می‌کنند، یا درخواستهای غیرعادلانه‌شان را نمی‌پذیرند، به گرداب ناآرامیها هدایت می‌دهند. شبکه‌های اطلاعاتی و اکتشافی آنها در شور و تفرقه انگیزدن و به

^۹ - Винклер Х. Мировые ресурсы. М., ۱۹۸۰. С. ۲۴۰.

^{۱۰} - Винклер Х. Мировые ресурсы. М., ۱۹۸۰. С. ۲۴۰.

گرداب بی‌سامانیها کشیدن کشورها و دولتهای سرکش تجربه بای اندوخته، به دستگاههای مخفی اکتشافی، سازمانها و فوندهای بین‌المللی و دیگر انستیتوهای حقوقی و مالی داخلی و خارجی جامعه شهروندی تکیه می‌کنند.

به قول کارشناس ورزیده ا. ای. اوتکین «شرکتهای بین‌المللی و سازمانهای غیرحکومتی چون همیشه به طور آسان مرزهای ملی را عبور کرده، بر اهالی ممالک کم رشد حکمرانی می‌کنند، زیرا نه حکومتهای ملی و نه حاکمیت محلی با نیروی خود از عهده حل و فصل مسائل روزافزون همبستگی نمی‌توانند برآیند. سرمایه، گویی که تعلقات ملی خود را «فراموش» کرده باشد، به اندازه‌های بزرگ به جانبی روانه می‌گردند که به شرافت آرامی و ثمره بلند محنت سود فراوان به دست می‌آید. بانکها، شرکتهای اعتمادبخش، کارخانه‌های صنعتی گویی از تحت وسایط حکومتهای ملی برآمده‌اند و در نتیجه استقلال نو به دست آورده آنها وارد شوی سرمایه در ذات خود روند مستقل گردیده است».^{۱۱}

در آغاز عصر جدید، اقتصاد جهانی به صفت یک جسم واحد و تام شکل می‌گیرد که از این پدیده یگان کشور جهان چه خرد و چه بزرگ در کنار بوده نمی‌تواند. افزودن رقابت در بازار جهانی و دستیابی شرکتهای فوق ملیتی به ثروتهای زیرزمینی و اقتصادی کشورهای خرد و بزرگ جهانی‌شوی اقتصاد را تیزانیده، اقتدار انستیتوهای بین‌المللی مالی و تجاری، بانکهای ابرقدرت و دیگر سازمانهای عمومی جهانی مساعدت‌کننده را تحکیم می‌بخشد. به اندیشه جرج ساروس یکی از مبلغان فعال جهانی‌شوی اقتصاد: «نهادهایی که تجارت بین‌المللی و بازهای جهانی مالی را پشتیبانی می‌کنند، نهایت نیرومندند. آنها به اصلاحات نیاز دارند، زیرا به منفعت ممالک ثروتمند فعالیت می‌کنند و واقعاً بر زیان کشورهای فقیر که تحت توجه‌شان می‌باشند، آنها را اداره می‌کنند».^{۱۲}

خطر تقسیمات بی‌عدالتانه ذخیره‌های جهانی و درآمد نابرابر اهالی کشورهای پیشرفته و عقب‌مانده عالم، خواه ناخواه ضدیت و اختلافهای ماهیتاً گوناگون را پدید می‌آورند که بیشتر از سطح پست زندگی و عاملهای اجتماعی سر می‌زنند.

اگر قارون اساطیری موافق روایتها ۷۰ گنج پر از زر خالص داشته باشد، پول و سرمایه قارونهای نو برآمد - سرمایه‌داران زمان ما در شمار و سند نمی‌گنجد. سرمایه جهانی تارفت

^{۱۱} - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С.۳۹.

^{۱۲} - Сорос Дж. О глобализации. М., ۲۰۰۴.- С.۲۷.

بیشتر به کشورهای پیشرفته و صنعتی عالم انتقال یافته، در دست سرمایه‌داران انگشت‌شمار جهانی گرد می‌آید. تنها سرمایه‌بعضی میلیاردرهای سطح اول، از درآمد ملی دهها کشورهای آسیا و افریقا افزونتر است. از روی حسابهای تخمینی، مقدار عمومی مبلغهای ثروتمندان انگشت‌شمار جهان بیش از ۳۱ تریلیون دلار امریکایی می‌باشد که چهاریک حصه عمومی تمام ثروتهای عالم را در بر می‌گیرد.^{۱۳}

موافق معلومات سازمان ملل متحد، در آغاز عصر نو، از پنج یک حصه اهالی روی زمین، یا خود بیست درصد سرمایه‌داران عالم، ۸۶ درصد محصولات داخلی جهانی، ۶۸ درصد کل سرمایه‌گذاری عالم و ۷۴ درصد تمام واسطه‌های ارتباطی را تحت وصایت خویش آورده‌اند. حال آن که بیست درصد اهالی کشورهای قفامانده عالم همگی ۱ درصد محصولات داخلی جهانی، کمتر از ۱ درصد سرمایه‌گذاری و نیم درصد وسایط ارتباطی را در اختیار خود دارند. تنها درآمد سالیانه سی نفر سرمایه‌دار بانفوذ جهانی، از درآمد عمومی ۶۰۰ میلیون نفر اهالی که در ۳۶ مملکت قفامانده جهان معاصر زندگی می‌کنند، به مراتب افزونتر است.^{۱۴}

برعکس این، در ۱۵ سال آخر از روی تحلیلهای سازمان ملل متحد، از ۱۰۰ کشور رو به انکشاف، درآمد اهالی ۶۰ کشورش به جای افزودن، سال تا سال کم می‌شود. گذشته از این، قریب نصف اهالی کره زمین، یعنی تقریباً ۳ میلیارد نفر آدما سیاره ما نیمه‌گرسنگی و گرسنگی می‌کشند. موافق معلومات کارشناسان سازمان ملل متحد، از این سه میلیارد ذکرشده، تقریباً ۱،۲ میلیارد نفرش از نرسیدن غذا گرفتار کم‌خونی و بیماریهای گوناگون گشته‌اند. مثلاً در هندوستان ۵۳ درصد اهالی، در بنگلادش ۵۶ درصد اهالی، در اتیوپی ۴۸ درصد اهالی مبتلای گرسنگی می‌باشند.^{۱۵}

حال آن که در کشورهای پیشرفته غرب، ۱،۲ میلیارد نفر آدما از استعمال افزون غذا به علت فربهی گرفتار شده‌اند. تنها در ایالات متحده امریکا هر سال زیاده از ۱۰۰ میلیارد دلار برای شفایابی از علت فربهی صرف می‌گردد. هر دومین ساکن امریکا و کشورهای اروپایی

^{۱۳} - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С.۱۰۱.

^{۱۴} - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С.۱۰۲.

^{۱۵} - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С.۱۰۲.

وزن برزیاد داشته (مثلاً، ساکنان بریتانیای کبیر ۵۱٪، آلمان ۵۰٪) از علت فربهی و پرخوری اذیت می‌کشند.^{۱۶}

این در شرایطی است که در سیاره ما بیش از نصف اهالی بزرگسال زیاده از ۲۳ کشور عالم، از جمله افغانستان، پاکستان، بنگلادش، نپال از خط و سواد محروم بوده، تقریباً ۱۵۰ میلیون نفر کودکان عموماً به مکتب نمی‌روند. علت اساسی این، قشاقی و سطح پست زندگی می‌باشد، زیرا موافق معلومات سازمان ملل متحد هنوز هم درآمد هر روزه بیش از ۱،۳ میلیارد اهالی روی زمین کمتر از یک دلار است.^{۱۷}

گذشته از این، عاملهای سطح پست زندگی و نابرابری اجتماعی خطر افزایش جمعت نفوس را در سیاره به بار می‌آورد. موافق تحقیقات نفوس‌شناسان، اهالی کره زمین سالهای ۱۵۰۰ میلادی تقریباً ۴۵۰ میلیون نفر بوده، بعد ۳۰۰ سال، یعنی سالهای ۱۸۰۰ به ۱ میلیارد نفر رسید. به انسانیت در دوام ۱۲۱ سال میسر شد که در مجموع از ۱ به ۲ میلیارد برسد. این نشان‌داد در سال ۱۹۲۶ رخ داده بود. برای ۳ میلیارد شدن اهالی روی زمین باز ۳۴ سال دیگر لازم آمد، یعنی انسانیت سال ۱۹۶۰ به ۳ میلیارد رسید. نشان‌دهنده میلیاردهای ۴-م، ۵-م و ۶-م نفوس اهالی در دوام ۱۴ سال، ۱۳ سال و ۱۲ سال بعدینه پدید آمد. اهالی کره ارض در سال ۱۹۹۹، ۶ میلیارد شده، بعد گذشتن پنج سال شماره اهالی باز نیم میلیارد افزود و به ۶،۵ میلیارد رسید.^{۱۸}

از روی تحقیقات عالم آلمانی آتآ ریولی، به حساب میانه هر روز در دنیا ۲۷۵ هزار کودک تولد شده، ۱۶۵ هزار نفر می‌فوتد. عامل تدریجاً افزودن اهالی سیاره مشکلات نو گلوبالی را پیش آورده، باعث محدودتر شدن مساحت زیست، کاهیدن ذخیره غذایی، آب آشامیدنی، دسترس نمودن منزل، جای کار، افلاس شوی هوا از زباله‌های صنعتی و گازهای نقلیاتی و دیگر مشکلات مهاجرت به شهرهای صنعتی می‌گردد. موافق تحقیقات کارشناسان سازمان ملل متحد برای آن که اهالی سیاره با نان تأمین کرده شود، حجم عمومی استحصال غله را تا سال ۲۰۲۰ باید ۴۰ درصد زیاد نمایند، و گر نه ۱۳۵ میلیون کودک تا ۵ ساله گرفتار گرسنگی خواهند شد.

^{۱۶} - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С.۱۰۳.

^{۱۷} - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С.۱۰۴.

^{۱۸} - Уткин А.М. Мировой порядок XXI века. - С.۱۱۳-۱۱۷; Пришествие хиджоба в Европу. Литературная газета. ۲۰-۲۶ апреля ۲۰۰۵. №۱۶. - С.۱۱.

گذشته از این، بر اثر ازدیاد جمعیت، مهاجرت اهالی از کشورهای عقب‌مانده به کشورهای پیشرفته عالم افزوده، چندین مشکلاتی تازه اقتصادی و اجتماعی را پدید می‌آورند. سطح افزایش اهالی اساساً به کشورهای عقب‌مانده راست آمده، صف بی‌بضاعتان و بیکاران و مردم کم‌بضاعت تارفت بیشتر می‌گردد.

علی‌الخصوص افزایش اهالی در کشورهای اسلامی بیشتر به نظر می‌رسد. اگر سال ۱۹۰۰ شماره عمومی مسلمانها ۴،۲ درصد اهالی کره ارض را تشکیل دهند، پس سال ۱۹۹۵ این رقم به ۱۵،۹ درصد رسید. از روی پیشگویی نفوس‌شناسان شماره عمومی مسلمانهای جهان در سال ۲۰۲۵ به ۱۹،۲ درصد اهالی سیاره برابر می‌شود. این در صورتی است که اهالی کشورهای غرب بر اثر سست شدن پایه‌های عایله و عایله‌داری، افزایش طلاق زن و شوهر، بیدارشی بر محل رابطه‌های جنسی و غیره تدریجاً کاهیده، موافق پیشگویی نفوس‌شناسان از ۱۳ درصد کنونی در سال ۲۰۲۵ به ۱۰ درصد می‌افراید.^{۱۹} در ایالات متحده آمریکا از روی معلومات، جمعیت اسلامی امریکای شمالی در سال ۲۰۰۰ تقریباً ۷-۱۰ میلیون نفر مسلمان، در انگلیس تقریباً ۵ میلیون نفر مسلمان، در فرانسه تقریباً ۳ میلیون نفر مسلمان، در روسیه تقریباً ۲۵ میلیون نفر مسلمان عمر به سر می‌برند که شماره آنها تدریجاً سال تا سال می‌افزاید. در اکثر کشورهای پیشرفته غرب افزودن و موقع اجتماعی پیدا کردن مسلمانان به منفعتهای ملی و امنیتی آنها چندان هماهنگ نیست و باعث نزاعها و تفرقه‌های خرد و بزرگ و اختلافهای مذهبی و فرهنگی می‌گردد.

شاید همین اختلافها را در نظر داشته، بعضی سیاستمداران غرب از برخورد تمدنهای جهانی در عصر جدید پیشگویی می‌کنند. برخورد تمدنها از روی عقیده سیاست‌شناس مشهور جهانی، رئیس انستیتو تحقیقاتی دانشگاه هاروارد، ساموئل هانتینگتن، به عامل اساسی سیاست جهانی تبدیل یافته، خط جدایی بین تمدنهای به خط سنگر آینده مبارزه‌های انسانیت آورده می‌رساند. موافق فرضیه او اختلاف و ضدیت‌های سابق اساساً بین پادشاهان و امپراتوران و حاکمان مطلق برای تحکیم دستگاه بروکراتی، افزودن قدرت لشکر، نفوذ اقتدار اقتصاد کشور و عموماً ضبط نمودن و به قلمرو خود همراه کردن زمینهای نو و ملکهای مغلوب شده صورت می‌گرفت. این برخوردها در دایره ضدیت ملت‌ها و دولتها گنجدیده، تا آغاز جنگ یکم جهانی

^{۱۹} - Уткин А.И. Мировой порядок XXI века. М., ۲۰۰۱. С.۱۰۵.

ادامه یافت. ولی بعد غلبه انقلاب روس و پدید آمدن نظام سوسیالیستی، جای ضدیتهای ملی را ضدیتهای ایدئولوژی، یعنی نظام جامعه کمونیستی و نظام دموکراتی لیبرالی اشغال نمود. در عرصه جنگ سرد جهانی باشد، این ضدیت به مبارزه آشتی ناپذیر دو دولت ابرقدرت تبدیل یافت که آنها از فضیلتیهای دولتمداری ملی چندان برخوردار نبودند. با انتهای جنگ سرد، این ضدیت نیز در سیاست جهانی خاتمه یافته، جای آن را ضدیت بین تمدن غرب و تمدنهای غیر غربی اشغال می نماید. این عامل به سمت سیاست آینده جنگی مبدل گشته، ضدیت بین تمدنهای بزرگ عالم، علی الخصوص تمدن مسیحیت و تمدن اسلام را قوت می بخشد.^{۲۰}

این سیاست شناس ورزیده، طرح نو سیاست جهانی را پیشگویی نموده، روند امروزه انقلاب و تحولات و برخوردهای جهانی را چون دوره گذرش به ضدیت تمدنها قلمداد می کند: «من چنین می پندارم که سرچشمه اساسی نزاع در جهان معاصر نه ایدئولوژی است و نه اقتصاد. حد مهمترین که انسانیت را از هم جدا می سازد و سرچشمه های فضیلتناک نزاع از طریق فرهنگ معین کرده می شوند. ملت و دولت در مناسبتیهای بین المللی همچون واسطه های اساسی عمل کننده باقی می مانند، اما در میان ملتها و گروههای مربوط به تمدنهای گوناگون، یک قسم خرد نزاعهای سیاست گلوبالی وسعت می یابد. برخورد تمدنها عامل اساسی سیاست جهانی می گردد. خط رخنه میان تمدنها این خط نزاعهای آینده است».^{۲۱}

واقعاً، در دوام دهساله های آخر در اطراف برخورد تمدنها و خطر تروریزم اسلامی در عرصه جهانی گفت و گذار دامنه دار جریان می گیرد. ما بارها گفته ایم و باز تکرار می کنیم که تروریزم بین المللی و هنگامه های افراط گرایی به مذهب و دین و ملت جداگانه منسوب نیستند و از برخورد تمدنهای غربی و شرقی نیز سرچشمه نمی گیرند. سرچشمه اساسی پیدایش و تظاهرات آنها عاملهای قشاقی، سطح پست زندگی، بیسوادی و ناآگاهی، گرفتاری به بی عدالتیهای اجتماعی، فشار و تندرویهای جامعه، در کنار ماندن از معرفت و فرهنگ دنیوی، ناقابلی و سستی انستیتوهای شهروندی و اجتماعی و غیره می باشند. عاملهای پیدایش، سبزدن و به نیروی خطرناک تخریبکاری تبدیل یافتن دسته های جداگانه در این یا آن منطقه جهان از ملت، زبان، عرف و عادت، مذهب و اعتقاد چندان بستگی ندارد. و گر نه گروههای افراط گرایی القائده و حزب الله، حرکتیهای نئوفاشیستی غرب و جنبشهای مختلف تروریستی

^{۲۰} - Хантингтон С. Столкновение цивилизаций? Полис. - ۱۹۹۴. - №۱. - С.۳۳-۳۴.

^{۲۱} - Хантингтон С. Столкновение цивилизаций? Полис. - ۱۹۹۴. - №۱. - С.۳۳.

کشورهای افریقایی و امریکای لاتین را که اعضای آنها از روی طبیعت اجتماعی، فرهنگ و تمدن، دین و مذهب، عرف و عادت، سنت و آیین و ملت و زبان با همدیگر مشترکاتی ندارند، کدام عامل به تخریبکاری و کشتار، سوء قصد و فاجعه‌های مدّش و انسان‌ستیزی و قصاص‌ستانی تحریک می‌دهد؟ دیده و دانسته به بی‌عدالتیهای این یا آن منطقه و ناآرامیهای جهان امروزه گنه‌کار شمردن دین مبین اسلام و در همین زمینه برخورد تمدن اسلام و جهان مسیحیت را شعله تازه افروختن، برای کل بشریت عاقبت ناگوار و خطرهای مدّش و فاجعه‌بار ایجاد می‌کند.

من اعتقاد قوی دارم که اکستریمیزم، تروریسم و رادیکالیزم را به یگان دین، از جمله دین مبین اسلام نسبت دادن مطلقاً روا نیست. زیاده از آن، اهداف، مضمون و عمل این پدیده‌ها کاملاً خلاف روح و مضمون والای انسانی دینها، از جمله دین اسلام است. تروریست به پندار من، در اصل خود ملت، مذهب و وطن ندارد و دشمن خدا و بندگان اوست.

بنابراین، اگر ما واقعاً هم خواهش داشته باشیم که نسلهای آینده بشریت در فضای اعتماد و باوری و حسن تفاهم زندگی کنند، باید از مقابل‌گذاری تمدن‌ها دست کشیم، انسان را به غربی و شرقی، سیاه‌پوست و سفیدپوست، آسیایی و اروپایی، مسلمان و مسیحی جدا نکنیم و پدیده‌های همه گونه تمدن را چون یک عضو تام تمدن بشری بررسی نماییم. اسلام نیز به ذات خویش چون آیین مسیحی، بودایی، یهودی، زردشتی و دیگر مذاهبهای جهانی یک دستاورد بزرگ تمدن بشریست. از این لحاظ تروریسم و اکستریمیزم را از نقابهای سیاسی و دینی جدا کرده، هدفهای سیاسی، منفعتهای گروهی، شعارهای عوام‌فریبانه و غرضهای انسان‌بدینی آنها را آشکارا بیان کردن و از استفاده اصطلاحهای «تروریسم اسلامی»، «اکستریمیزم اسلامی» خودداری نمودن ضرور است.

بنابر این، روند گفتگوی تمدن‌ها و رابطه و همایش مصالحت‌آمیز آنها، از جمله تمدن اسلامی با ارزشهای دموکراتیک به روند اجتماعی زمان و سطح امروزه پیشرفت جامعه سازگار است. برای این، بلند برداشتن سطح معرفت جامعه، مخصوصاً جوانان، آشنایی آنها با فرهنگ خلقها و کشورهای گوناگون جهان، برقرار کردن رابطه‌های دوستانه در بین آنها، تبلیغ زندگی سالم و اخلاق حمیده، در روح آیینهای احترام به انسان و دستاوردهای تمدن جهانی تربیه کردن آنها وظیفه تأخیرناپذیر و با افتخار اهل بشری است.

در عین زمان باید خاطرنشان کرد که افزودن فرقیّت در حیات اقتصادی، شرایط اجتماعی، بویژه در جهان‌بینی و اندیشه و تفکر جوانان باعث به وجود آمدن اختلافها و ضدّیتهای ناگوار می‌گردد. و چنان که مشاهده می‌شود، این روند در شرایط جهان‌شمولی وسعت یافته، سالهای آخر در لباس جنبشهای گوناگون پدید می‌آید.

بنابر این، تهیه و تطبیق برنامه‌ای بین‌المللی با نام شرطی «معرفت همگانی جوانان - گرو بقا و رشد جامعه انسانی» ضرور است که فراگیر مجموع اقدامات مؤثر و سازنده سطح گلوبالی با شرکت عملی همه کشورهای، بخصوص نیروهای عقلانی و فرهنگی آنان باشد. تطبیق گردیدن چنین برنامه‌ای امکان خواهد داد که باطل بودن مقابل‌گذاری تمدن‌ها و عضو یک نظام واحد عمومی بشری بودن کل فرهنگها و تمدن‌ها کاملاً عیان گردد.

تشکل تمدن عمومی سیاره‌ای باید مضمون اصلی روندها و تمایلات امروزه را فرا گرفته، اساس تحولات جهان‌بینی و ارزشهای عمومی انسانی گردد. هیچ یک جهان‌بینی و ایدئولوژی حقوق یگانه‌سازی و حکمفرمایی، انگیختن اختلاف و پست زدن ارزشهای تمدن بشری را داشته نمی‌تواند. پیدا کردن راههای نو استقرار رضایت، همکاری و همدیگرفهمی تمدن‌ها تقاضای حیات است و تجربه کشورهای خرد و بزرگ باید به فرهنگ واقعاً بشردوستانه همکاری و همیاری تمدن‌ها مساعدت نماید.

از این خاطر بالا بردن آبرو و اعتبار سازمان ملل متحد به حیث سازمانی بسیار ساحت، افاده سازنده منفعتهای همه کشورهای، تشکل دهنده سیاست صلح‌پرورانه و پیشگیری‌کننده نزاعها و جنگها وظیفه نهایت مهم می‌باشد. همزمان اهمیت جدی دادن به ساختارهای سازمان ملل متحد، قبل از همه یونسکو که مسئولیت حفظ و رشد معارف و علم و فرهنگ کشورهای را بر دوش دارد، امر تأخیرناپذیر زمان است.

تقاضای آغاز قرن ۲۱ - تقاضای والائیت اخلاق و رو آوردن به رفتار حمیده و معنویت پاک است. در شرایط آزاد بودن فکر، سخن و عمل، به نظر من جوهر جهان‌بینی اوستایی «پندار نیک، گفتار نیک و رفتار نیک» باید عامل نظام اخلاقی در تمام سطحهای جامعه باشد. چون سخن در باره اصل سه هزار ساله اخلاق زردشتی رفت، باید ذکر نمود که اهمیت آن در دوران «انقلاب علمی و تکنیکی و خرد لایزالی» بیشتر شده است. به این معنی مسئولیت اخلاقی باید فراگیر تمام ساحتها و عرصه‌های حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه گردد.

چنانی که در بالا تأکید کردیم، بر اثر رشد بازار اطلاعات و سوء استعمال امکاناتی جامعه آزاد امروز رذالت‌های اخلاقی در بین جوانان بسا آزادانه ترغیب می‌شوند. آیا برای فرزندان و نسلی که در آینده به کمال می‌رسند، چنین برنامه‌های پست اخلاقی زیان معنوی ندارند؟ و آیا به معیار همه جانبه اطلاعات فرهنگی تبدیل دادن فحش، زورآوری، کشتار و بیرحمی برای همه ملت‌ها و کشورهای عالم ضررآور نیست؟

از این رو، هنگام جشن ۶۰ سالگی یونسکو در پاریس پیشنهاد کردم که این سازمان بانفوذ جهانی برنامه‌ای را تهیه و تصدیق نماید که آن به راه‌های تشکّل اخلاقی سالم بخشیده شود. خیلی خوب می‌شد یکی از سال‌های نزدیک «سال اخلاق حمیده» در تمام سیاره اعلان گردد و در جریان آن عنصرهای بهترین اخلاق عمومی انسانی تبلیغ کرده شوند. در دوره جهان‌شمولی جهان معاصر به خطر روز افزون کاهش اخلاق روبرو گردیده است که آن برای آینده انسانیت ضرر جبران‌ناپذیر خواهد داشت.

امروز وقت آن رسیده است که دولتهای بزرگ به جای استحصال سلاح‌های نوترین حربی، به تعمیر بنای محتشم اخلاق سالم، حفظ جهان معنوی نسل نو و تمام ارزشهای والای جامعه انسانی پردازند.

تاریخ شهادت می‌دهد که به وجود آوردن حس ناباوری، عداوت و دشمنی، اختلاف و بدگمانی نسبت به تشکّل باوری و اعتماد، احساس دوستی و همکاری و حسن تفاهم خیلی آسانتر است.

بنابر این، از تاریخ سبق آموختن، در خانه عمومی مان - سیاره زمین با صلح و سازش و اعتماد و باوری با همدیگر زندگی کردن، وظیفه جانی هر فرد مسئول و پاک سرشت است. امروز کشورها و خلق‌ها آنچنان با هم وابسته و پیوند هستند که هیچگاه بدبختی و ناکامی مردم یک گوشه سیاره به خوشبختی و سعادت خلق‌های کنار دیگر آن امکان نمی‌دهد. انسانیت، یک سیاره، یک گهواره جاودانه حیات، یک نشیمنگاه بردوام نسل‌ها دارد که آن را باید از آفت‌ها و فلاکتهای گلوبالی ایمن داشته، هر ذره آب و خاک زمین را چون گوهرک چشم حفظ نماید.

واقعاً منظره باز هم مدهش و دهشتناک گلوبالی، کاهیدن ذخیره آب آشامیدنی و تارفت بیشتر آب شدن پیریک‌های ابدی در روی زمین می‌باشد که خطر روز افزون آن باید یگان دولت و ملت عالم را آسوده نگذارد. در صورتی که اهالی سیاره بعد یک چند دهساله

دو برابر می افزاید، طبیعی است که ذخیره‌های زیرزمینی و منابعی آب آشامیدنی تارفت کمتر و طلبات به استعمال و استفاده آب تازه دوچند می گردد. این عامل خواه ناخواه در سیاره ما یکی از خطرهای بزرگ و مدّش گلوبالی نرسیدن آب آشامیدنی را پدید آورده، در پیشاروی انسانیت مسئله هستی یا نیستی حیات را در این یا آن گوشه زمین به میان می گذارد.

هدف از تشبّهای بین‌المللی تاجیکستان جهت «سال آب تازه» اعلان کردن سال ۲۰۰۳ و از جانب سازمان ملل متحد پذیرفته شدن دهساله بین‌المللی عملیات «آب، برای حیات» و جلب نمودن دقت جامعه جهانی به مشکلات حیاتی سیاره و استفاده عاقلانه و صرفه کارانه آن، پیش از همه ماهیت عمومی بشری و جنبه انسان‌دوستانه و اخلاقی دارد.

خلق تاجیک، صرف نظر از آشنایی نه چندان کامل با روندهای مرکب زمان و ساختار همکاریهای بین‌المللی، برای بشریت در مسائل آب تازه، تشبّ نجیب را به راه انداخت که به عنوان دهساله بین‌المللی «آب برای حیات» از جانب ۱۴۱ کشور جهان پذیرفته شد. این ابتکار نیک در شرایطی به میان آمد که مشکلات حل طلب کشور خیلی زیادند، اما مسئله تأمین انسانیت با آب شیرین آشامیدنی از همه مهمتر است. محض درک عمیق قرض مقدس انسانی، تقاضای منفعتهای ملی و عمومی بشری و روندهای مرکب جهان معاصر ما را به شرکت فعال در حل مسئله‌های حیاتی و مهمترین گلوبالی هدایت نمود. و بی سبب نبود که این تشبّ نجیب از جانب سازمان ملل متحد در قطار ۲۰ پیشنهاد ارزشمندترین جهانی پذیرفته شد و دقت اهل جهان به چنین مشکلات گلوبالی نهایت سیرپهلوی و گوناگون‌جبهه عمومی بشری جلب گردید.

این اقدام از جانب خلق تاجیک که دوران سازندگی و گذرش را به سر می برد و اصلاً خودش به مشکلات آب چندان گرفتار نیست، تقاضای مسئولیت بزرگ و درک عمیق مشکلات حل طلب پیشاروی انسانیت است. من ماهیت عمومی جهانی و حل و فصل شدن مسائل داغ و حساس انسانیت را در همین گونه اقدامها می بینم که بیشتر به اندیشه و منش نیک، یعنی به خردسالاری، انسانگرایی و تمدن پروری و جهانسازی وابستگی دارند.

با شهادت اخبار و اسناد سازمانهای بانفوذ بین‌المللی، حالا بیش از ۴۰ درصد اهالی روی زمین از نرسیدن آب تازه تنقیصی می کشند و هر روز در دنیا ۴ هزار کودک از بیماری وابسته به کمبود آب به هلاکت می رسند. امروز قریب ۸۰ کشور عالم به مشکلات نرسیدن آب آشامیدنی گرفتارند. فکر می کنم، این بدبختی و مصیبت همگانی خلقها و ملتها است و آنها

خواه در سطح انکشاف و ترقیات حیرت‌آور قرار داشته باشند و خواه در سطح پست بالاروی و اداره کشور، باید از این خطر روزافزون عمومی بشری خود را کنار نگیرند.

این لحظه بی‌اختیار سخنان نویسنده توانای فرانسوی آنتوان دو سنت-اکزیوپری از رمان «شاهزاده خردسال» به یاد می‌رسد که سالهای جنگ دوم جهانی به صفت خلبان حربی در بیابان ناپیداکنار افتاده، شاهد بی‌آبی و تشنگی را چشیده است: «آب! تو نه طعم داری و نه رنگ و نه بوی، تو را تصویر کردن دشوار است، چه بودنت را ندانسته کس از تو حلاوت می‌برد. تو نه تنها برای حیات ضروری، تو خود ابتدای حیات هستی. از تو همه موجودات حضور و حلاوت می‌برد که آن را با نیروی احساسی ما درک کردن مشکل است. تو به ما مدار و توانی را باز می‌گردانی که از آن کیهان دل و دست شستیم. با عنایت تو از سر نو چشمه‌های خشکیده دل گشاده می‌شوند.

تو در دنیا بزرگترین و بی‌بهاترین ثروتی، تو همچنان در قعر زمین پاک و بی‌آلایشی. در نزد چشمه مردن ممکن است، اگر در آن کمی آمیخته منیزیوم باشد. دو قدم آن طرفتر از کول شور نیز جان دادن ممکن است. اگر دو لیتر آب شبنم داشته باشی و به آن یگان نوع نمک وارد شده باشد، مردن نیز از احتمال دور نیست. تو به یگان غش و آمیزش تاب و طاقت نداری، یگان جنس بیگانه را نیز نمی‌پذیری، تو خداوند هستی که بسا آسان می‌رمد.

اما تو به ما خوشبختی بی‌پایان و عادی را عطا می‌کنی».

این سخنان بسا عادی و صمیمی از معجزه واقعی حیاتی بودن آب آشامیدنی گواهی می‌دهد. موافق معلومات انستیتو ذخیره‌های جهانی آب تازه که برای انسان دسترس و قابل استعمال است، همگی یک درصد تمام ذخیره‌های آب سیاره ما را تشکیل داده، از چهار یک حصه اهالی سیاره، از نرسیدن آب آشامیدنی اذیت می‌کشند.

کشور ما، هرچند که در سرگه تشکلیابی ذخیره‌های آب تازه قرار دارد و صاحب ۶۷ درصد منابع آب آسیای مرکزی است، از مسئله تنقیصی آب تازه در سیاره خود را کنار گرفته نمی‌تواند. زیرا با وجود داشتن سرچشمه و منابع بزرگ آب تازه، ما نیز با این مشکلات حل‌طلب عمومی جهانی و منطقه‌ای رو به رو هستیم.

از این رو، در دایره مناسباتهای انتگرالی، جلب نمودن توجه کشورهای جهان و سازمانهای بانفوذ بین‌المللی به مشکل آب تازه و حفظ محیط زیست، ضرورت نگهداری،

استفاده و تنظیم عاقلانه ذخیره‌های موجود آب آشامیدنی منطقه آسیای مرکزی، از جمله مشکلاتی است که اقدامهای دسته جمعی و حل و فصل مشترک را تقاضا می‌کند.

سالهای آخر، در مجموع گرم شدن اقلیم سیاره ادامه دارد و برای تاجیکستان باز یک خطر نو پدید آمده است که آن با سرعت غیرمقرری آب شدن و تارفت کم گردیدن حدود موجوده پیریکها در منطقه‌های کوهستانی مملکت می‌باشد. عالمان تاجیکستان خریطه توپوژتودزی و عکسهای کیهانی، پیریخ بزرگترین مملکت - فدچینکا را در مدت نیم قرن مقایسه نموده، به خلاصه آمدند که در طول پنجاه سال آخر سه یک ذخیره آب آن کم شده است. و اگر این تمایل گرم‌شوی اقلیم ادامه یابد، خطر آب شدن پیریکها و تدریجاً کاهیدن ذخیره آب آشامیدنی به تمام منطقه آسیای مرکزی تهدید می‌کند. اگر به این روند جریان افزایش پیوسته اهالی و مشکلات زمینهای آبیاری شونده را در منطقه آسیای مرکزی اضافه نماییم، تصور نمودن دشوار نیست که در دهساله‌های دور و نزدیک مسئله تأمینات اهالی با آب تازه چه اندازه شدیدتر خواهد شد. به عبارت دیگر یکی از محققان مشکلات گلوبالی مارت تژین، امروز برای منطقه آسیای مرکزی خطر تنقیصی آب آشامیدنی از خطر بن لادن و تروریزم بین‌المللی کمتر نیست.^{۲۲}

بنابر این، در بسیاری منطقه‌های جهان، از جمله کشورهای آسیای مرکزی، حفظ منابع آب تازه و استفاده صرفه‌کارانه و عاقلانه آن به مسئله عمده‌ترین روز تبدیل می‌یابد. گذشته از این، مشکلات تنقیصی آب برای کشورهای منطقه آسیای مرکزی نباید واسطه فشار و نزاع و تفرقه‌اندازی قرار گیرد، بلکه عامل متحدکننده و پیشبرنده گردد که راه به نظام آوردن این مشکلات را متخصصان و کارشناسان و سروران کشورهای منطقه در همدستی و یکجایی حل نمایند.

تجربه سالهای پیشین نشان می‌دهد که ما به خاطر تأمین موازنت تقسیمات آب در آسیای مرکزی باید اقدامات عاقلانه یکجایی و هماهنگی را تطبیق نماییم. تاجیکستان صاحب قسم زیاد ذخیره‌های آب آسیای مرکزی و دریا‌های بزرگ منطقه باشد هم، با تقاضای حسن همسایگی آب را همچون ثروت عمومی ارزیابی نموده، به خاطر بهداشت حالت اکوسیستم،

^{۲۲} - Тажин М. Гузориш дар Конференсияи байналмилалі «Оид ба ӯамкориҳои Россия ва Қазокистон дар асри XXI», ۱۴ майи соли ۲۰۰۳ дар ш.Москва. Аз манбаи иттилоотии Центр Азия. ۱۹, ۰۵, ۲۰۰۳.

تنظیم ذخیره‌های آب، رشد شبکه‌های آبیاری و آبرسانی، انکشاف ساحه هیدروانرژی و غیره، به راه ماندن و گسترش همکاریهای مشترک را در منطقه جانبدار است. فراموش نباید کرد که آب تازه به مثل نفت و گاز و دیگر ثروتهای طبیعی، ارزش بلند دارد و مناسبت عاقلانه و دوراندیشانه، میل و اراده نیک و فرهنگ والای همگرایی را تقاضا می‌کند.

مشکلات دیگری که در پیشاروی دولتهای منطقه آسیای مرکزی ایستاده است، مشکل تأسیس و هماهنگ‌سازی فضای مشترک شبکه‌های انرژی، تنظیم و استفاده و انتقال عاقلانه ذخیره‌های هیدروانرژی، شبکه‌های نقلیاتی، راههای ماشینگرد و دیگر وسایط ارتباطی می‌باشد. این جا سخن برابر بنیاد راههای نو و مشترک، باز از تأمین حمل و نقل آزاد مال، انتقال سرمایه، نیروی کاری و غیره می‌رود که بی‌شک به نفع همگان است. خلاف آن در شرایط کنونی مانع‌های زیاد صنعتی را به بار آورده‌اند. همچنین از سیاست به دست آوردن منفعت بیشتر از وضع انحصاراتی مملکتهای همسایه نیز صرف نظر کردن مناسبتر است. حل این مشکلات و دیگر مشکلات موجود منطقه به روند جهان‌شمولی مساعدت کرده، برای تأمین امنیت اقتصادی و اجتماعی و گسترش رابطه‌های سالم دولتهای آسیای مرکزی مساعدت خواهد نمود.

این امر تقاضا می‌نماید که هم دولتهای منطقه و هم دولتهای بزرگ سیاست نهایت سنجیده، سازنده و سازگار باثبات و امنیت منطقه و جهان را عملی نمایند. آسیای مرکزی همچون نقطه حسّاس ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی جهان نباید صحنه بی‌ثباتی و برخوردهای جهانی باشد، بلکه مرکز پیوند منفعتهای منطقه‌ای و جهانی گردد. در این مرحله حسّاس تاریخ بشریت، عاقلانه و آگاهانه هماهنگ ساختن و تطبیق کردن منفعتهای منطقه‌ای و عمومی ملی به خاطر پیشگیری خطرهای گلوبالی طلب روزافزون حیات است.

ما باید با شناخت دقیق مضمون روندها و تحولات جهانی و درک مسئولیت و دوراندیشی پیگیرانه تلاش نمایم که از دستاورد و جهت‌های مثبت جهانی‌شوی به نفع ثبات و پیشرفت وطن عزیزمان، حتی‌الامکان استفاده بریم و همزمان مردم، کشور و فرهنگ ملی خود را از عاقبت‌های منفی و خرابی‌آور آنها ایمن داریم.

شرط مهمترین در این راه، تشکّل دادن همکاری بین‌المللی جهت برطرف نمودن خطرهای تهدیدهای اساسی گلوبالی، از جمله تروریزم، اکستریمیزم، قاچاق و گردش غیر

قانونی مواد مخدر و جنایتکاری متشکل فوق ملیتی می‌باشد. زیرا در این روند همگرایی با سرعت این پدیده‌های فاجعه بار وسعت گرفته، به سرنوشت کل بشریت تهدید می‌کند. کلید موفقیت و پیروزی جامعه جهانی در تهیه و تطبیق استراتژی کمپلکسی و فراگیر می‌باشد. ما هنوز بهار سال ۲۰۰۰ ضرورت تهیه و قبول لایحه یگانه و جهانی مبارزه بر ضد تروریسم را تأکیداً ذکر نموده بودیم که در آن قبل از همه مفهوم عمیق و واضح اصطلاح تروریسم، خصلت، مضمون و عملیات تخریب‌گرانه آن تعبیر گردیده، راهها و وسیله‌های مؤثر مبارزه علیه آن معین و مشخص کرده شوند.

باعث قناعت‌مندی است که در پیام به شورای امنیت سازمان ملل متحد پیشنهاد شده و نامه تبریک به مناسبت ۶۰ سالگی این سازمان بانفوذ جهانی، این مسئله همچون تدبیر افضلیت‌ناک برای پیشگیری خطرهای روزافزون بین‌المللی تأکید گردیده است. ما بار دیگر ذکر می‌کنیم که تطبیق پیشنهاد قبلی ما در مورد مبارزه علیه تروریسم و تأسیس اتحاد بین‌المللی ضد قاچاق مواد مخدر کار نهایت مهم و حتی تأخیرناپذیر می‌باشد. زیرا صرف نظر از این تدبیرها خطر تروریسم، فروش و گردش غیر قانونی مواد مخدر، قاچاق سلاح و عاملهای آدم‌فروشی در عرصه جهانی کم نشده است. جامعه جهانی به جای به ذمه این یا آن دین و مذهب بار کردن گناهان تروریسم و زورآوری، باید تدبیرهای قطعی و مشخص پیشگیری کردن این ظهورات ننگین را اندیشند و به بهانه‌جویی و معیارهای دوطرفه راه ندهند.

روند حیات پرتلاطم انسانیت و افزودن خطرهای گلوبالی در دهساله‌های آخر تقاضا می‌نماید که فعالیت ائتلاف بین‌المللی مبارزه بر ضد تروریسم و اکستریمیزم باثمر و مؤثرتر کرده شوند. در این مسئله مهم حیاتی معیارهای دوگانه یا خود فضل‌فروشی زبانی، ولی دستگیری نهانی عملیاتهای تروریستی قابل قبول نیستند. ما جانبدار نظام عادلانه و استوار جهانی بر اساس اصول و معیارهای حقوق بین‌المللی، قبل از همه برابر حقوقی همه سوبرکت‌های روابط بین‌المللی و رعایت صاحب اختیاری دولتها می‌باشیم که در تنظیم آن سازمان ملل متحد همچون سازمان یگانه عمومی جهان باید نقش مرکزی داشته باشد. این نظام جوابگوی منفعتهای عالی همه خلقها و کشورها، امنیت و ثبات جهانی می‌باشد.

۲. تشکّل استقلالیت ملی و هدفهای سرنوشت‌ساز تاجیکستان در شرایط خطرهای گلوبالی

امروز در پیش‌روی ما سه جشن بزرگ تاریخی قرار دارد: سال بزرگداشت تمدن آریایی، ۲۷۰۰ سالگی کولاب باستانی و ۱۵ سالگی استقلالیت ملی تاجیکستان. دو سنه اول و فراموش‌ناپذیر تاریخی، از روی مضمون و ماهیت و فاصله زمانی به قعر هزارساله‌های دور رفته می‌رسد و سنه آخرینش از آغاز استقلالیت نوین و احیای دول‌تداری ملی جمهوری تاجیکستان در فضای نو سیاسی ابتدا می‌گیرد. هر سه این جشنها ماهیتاً به تشکّل تمدن

دولتداری و راه دشوار و سنگین رسیدن به استقلالیت پیوند ناگسستنی داشته، پدیده برجسته تاریخی و فرهنگی، مظهر آرمانهای کهن فرزندان اصیل و آگاه، رمز اصالت و هویت، نشان هستی و بقای دیرینه ملت ما می‌باشند.

این جشنهای باشکوه در شرایطی تجلیل می‌گردند که انسانیت پنج سال اول هزارساله سوم میلادی را پس سر نموده، هنوز هم راه و اصولهای مکمل‌تر رسیدن به زندگی آرام و آسوده، طنطنه عدالت و صلح و امنیت پایدار، کمالات عقلانی و امکانهای بهتر مادی و معنوی، فرهنگ والا و فضیلت‌های نجیب اخلاقی و نهایت آرامی و بی‌خطری سیاره و خوشبختی جامعه بشری را جستجو می‌نماید. امروز ما در مرحله خیلی حساس و مرکب تاریخ انسانیت قرار داریم. انسانیت نسبت به روزگار گذشته، در آغاز هزارساله سوم به صلح و آرامی، تأمین امنیت سیاره، همدلی و همکاری، مهر و رفاقت، بزرگداشت ارزشهای فرهنگی و معنوی و اخلاق حمیده نیاز بیشتر دارد.

اگر ما به راه پیموده انسانیت با چشم خرد نگریم، برایمان عیان می‌گردد که تاریخ جامعه بشری به معنی دیگر این عبارت تاریخ پیدایش، تشکّل و تکامل و نهایت تنزل و احیای دیگرباره نظام جامعه و برد و باخت تمدنهاست. از کسی پوشیده نیست که خلقت و ملتهای گوناگون عالم در طول هزارساله‌ها وابسته به شرایط خاص تاریخی و تقاضای زمان، چندین تمدنها و سلسله فرهنگها را ایجاد کرده‌اند که صرف نظر از پدیده نادر و ارزشمند بودنشان، در مجموع چون دستاورد بزرگ و میراث مشترک انسانیت ارزیابی می‌گردند.

انسانیت از روی تحقیق مورخان و تمدن‌شناسان، علی‌الخصوص به اندیشه تمدن شناس توانا^۱. توفین‌بی در طول تاریخ موجودیت خویش بیست و یک تمدن جهانی را ایجاد نموده است که امروز از جمله آن تمدنها نفوذ عمومی بشری‌اش را نگاه داشته است و بس.^{۲۳} در عرصه تاریخ طولانی بشریت دهها امپراتور و نظامهای ابرقدرت، رسم و آیینهای دولتداری، ملت و خلقیتهای پیشرفته، زبان و لسان معاشرت، رسم‌الخط و میراث‌های فرهنگی، مذهب و دینهای پایدار، رسم و آیین و سنتهای قدیمه بی‌نام و نشان گشته، در فراموشخانه تاریخ مسکن گرفته‌اند. فقط خاطررسان کردن کافی است که از هفت معجزه عالم، تا زمان ما تنها اهرام سنگین مصر قدیم رسیده باشد هم، تمدن بیش از پنج هزارساله فرعونهای مشهور با همه

^{۲۳} - Хантингтон С. Столкновение цивилизаций? С. - ۳۴-۳۵.

دستاوردهای آیین دولرداری، زبان و رسم الخط، سنت و آیینهای ملی، میراث تاریخی و فرهنگی و سنتهای دینی و دنیوی کاملاً از میان رفته است.

سرنوشت آریایی‌ها که ما تاجیکان نیز در قطار چندین خلقيتها و ملت‌های متمدن عالم یکی از میراثداران اصیل آن هستیم، از جمله صحیفه‌های بسا رنگین و شگفت‌انگیز تاریخ بشری است. این تمدن با همه برد و باختش برای ملت ما یک رکن اساسی تاریخ سرنوشت، عرصه بود و باش، پیدایش و تشکل نخستین آیینهای دولرداری، جولانگاه دین و آیین یکتاپرستی، تشکل فرهنگ و ارزشهای ملی، عرصه خودشناسی و جهان‌شناسی گردیده است. در سر گهواره تمدن آریایی قرار داشتن سلسله دولرداریهای کیانیان، هخامنشیان، اشکانیان، کوشانیان و ساسانیان با وجود انگیزش و برخوردهای تمدن هلنی و بودایی، اصالت دیرینه و نفوذ تمدن آریا را پایدار و پابرجا نگاه داشت.

فرهنگ آریایی به بشریت کتاب مقدس «اوستا» و نخستین نمونه تمدن بشردوستانه را تقدیم نمود. گذشتگان ما در «اوستا» طرز حیات آنچنان پاکیزه و عادلانه را ترغیب نموده‌اند که اثر آن در سرشت و نهاد نیاکانمان پای برجا مانده، حتی حمله‌های طولانی اجنbian استیلاگر به سرزمین اجدادی ما نقش این فرهنگ عالی را از ذهن خلق زدوده نتوانستند. نیاکان ما با شعار فراگیر و پرارزش «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» بهترین و روشن‌ترین آرزو و آمال انسانیت را حکیمانه و عارفانه افاده نموده است که این کلام پر حکمت نه تنها برای چندین قوم و ملت، بلکه برای تشکل افکار و رفتار اهل بشر و ارزشهای عمومی انسانی خدمت کرده‌اند.

امروز که در سیاره از جهان‌گرا شدن همه مشکلات، چه سیاسی، چه اقتصادی و چه اجتماعی و فرهنگی گفتگو می‌رود، ما باید پیش از همه به یک نکته مهم - جهان‌گرا شدن تمدن‌ها و فرهنگ‌ها اعتبار دهیم. در شرایط کنونی ما باید همه گونه تمایلات خراب‌گرای فرهنگی و خطر هلاکت‌بار برخورد تمدن‌ها را محکوم نموده، توسعه دادن مکالمه تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را در عرصه جهانی پشتیبانی نماییم و تحکیم بخشیم. احتمال، غایه مکالمه تمدن‌ها یا فرهنگ‌ها در جهان امروز از همین نگاه به کامیابی نایل شود. زیرا کشفیاتهای بزرگ علمی قرن جدید و به نیاز و احتیاج انسان سازگار آمدن این کشفیاتها روشن اثبات کرد که به جهان معاصر از در تعصب دینی و خرافات نگرستن و امید از تعصب و برخورد تمدن‌ها داشتن از دیرباز کهنه شده است.

ما امروز از میراث گذشته فرهنگی افتخار کرده، هر یک مواد قدیمه را در آثارخانه‌های باحشمت جهانی نگاه می‌داریم، گوناگون رنگی زبانها و فرهنگ خلقها و منطقه‌ها را همچون پدیده نادر تاریخی تبلیغ می‌نماییم، ولی راههای حفظ گوناگون‌رنگی فرهنگها را در شرایط جهانی‌شوی هنوز به طور کامل پیدا نکرده‌ایم. این مسئله، ملتها و دولتهای دارای تمدن باستانی، از جمله ملت تاجیک را به تشویش آورده است که جانبداری همکاری بی‌غرضانه، احترام گوناگون‌رنگی و گفتگوی مصالحت‌آمیز تمدنها در عرصه جهانی می‌باشد.

تمدن گذشته را انکار کردن، نقش تاریخی و اصالت زندگی سازش را نادیده گرفتن روا نیست، برعکس حسن و قبح آن را در میزان دستاوردهای معنوی زمان نو برکشیدن، بهترین پدیده‌های حیاتبخشش را در خدمت ملتها و دولتها و عموماً بشریت قرار دادن وظیفه مقدس نسلهای امروز و آینده است.

ما به خاطر نسلهای آینده و فرزندان و نیرنگانمان باید فرهنگ صلح و احترام عمیق را با گوناگون‌رنگی و گفتگوی تمدنها دستگیری نماییم. به همین خاطر ما معرفت و فرهنگ ارزشمند و حیاتبخش و زندگی‌ساز را به تهدید و خطر، تعصب و خرافات، احساس نفرت و بدبینی و دیگر پدیده‌های منفی مخالف گذاشته، به صفت یک عضو واحد جامعه بشری دستاوردهای فرهنگی ملت خویش را چون پدیده ارزشمند تمدن جهانی استقبال می‌گیریم. این ضرورت تاریخ و امر زمان است که انسانیت را از برخورد تمدنها، هلاکت معنوی و انقراض فرهنگی نسلهای آینده در فراسوی خطرهای گلوبالی ایمن می‌دارد.

امروز ما به فرهنگ عملاً نوین روابط و همکاری تمدنها روی نیاز آورده‌ایم که باید گفتگوی سازنده و احترامانه تمدنها را به منظور نجات فرهنگی و بقای تاریخی از بسیاری خطرهای عمومی انسانی پشتیبانی و تلقین نماییم. زیرا تمدنهای پیشرفته و زندگی‌ساز، سنت و فرهنگهای دارای جنبه حیاتی، اصول و ارزشهای ثابت و نظام اجتماعی متشکل، علی‌الخصوص دستاوردهای انقلاب عقلانی و معرفت‌والا در همه دور و زمان قطب‌نمای زندگی و محور ترقیات جامعه بشری گردیده‌اند.

خود از خود سؤالی به میان می‌آید که پس از جشن «۱۱۰۰ سالگی دولرداری سامانیان»، بزرگداشت «۲۷۰۰ سالگی کتاب «اوستا» و «۳۰۰۰ سالگی فرهنگ زردشتی» آیا ضرور بود که باز به ریشه‌های تاریخی نسبتاً دور و نزدیک تمدن ملت تاجیک رو آورده، این سه جشن نوبتی را در سطح دولتی استقبال نماییم؟ آیا پی در پی رو آوردن به تاریخ ملت و

گذشته پر افتخار آن، آهنگ زیاده‌روی و ملتگرایی را ندارد؟ در صورتی که انسانیت در تسخیر کیهان، فتح ماه و دیگر سیاره‌های محور آفتاب، علم ژنتیک و هسته‌شناسی، تکنیک و تکنولوژی‌نوترین اطلاعاتی و ارتباطات به دستاوردهای بی‌سابقه نایل شده است، آیا گشته و برگشته، از اصالت تاریخی و سرنوشت گذشته ملت سخن گفتن مگر نشان فضل‌فروشی و از مشکلات موجوده جامعه خود را کنار کشیدن نیست؟ آیا به جای این نگرستن به سرنوشت آینده ملت، طرح‌ریزی نمودن هدفهای دور و نزدیک آیین دولرداری در جهان پرتلاطم امروزه به مطلب مناسبتر نمی‌نماید؟ و باز چندین سؤالهای خرده‌گیرانه و هنگامه‌باری که در اطراف این جشنها بالا گرفته، به خود پاسخی مناسب می‌خواهند.

واقعاً وقتی که تاریخ فرهنگ عمومی بشری را ورق می‌زنیم، از دوره‌های گذشته دور تا امروز اندیشه‌های انسان‌پرورانه متفکران فرهنگ آریایی با شیوه و زبانهای مختلف، با کلام و متنهای گوناگون، با فلسفه عادی و زمینی جوابگوی آرمانهای بشری همچون گوهر تابناک و ارزش جاودانه جلا می‌دهند.

سال بزرگداشت تمدن آریایی را استقبال گرفتن ما، باعث بلند شدن سر و صداهایی گردید که گویا از این اقدام بوی ملتگرایی و نژادپرستی می‌آید. چنین بها از ناآگاهی و تنگی نظر، یا تحریف محض تاریخ و بی‌خبری از روند تمدنهای جهانی گواهی می‌دهد. اصلاً این اقدام به یگان غرض سیاسی و ایدئولوژی، کوششهای عرق‌پرستی و انسان‌بدینی رابطه ندارد، بلکه یک نظر خالصانه در شناخت فرهنگ قدیمه ملت خود و آشنایی با ریشه‌های تاریخ و تمدن گذشته نیاکان می‌باشد. زیرا ما در آستانه احیای استقلالیت و خودشناسی ملی برای نادیده گرفتن، پاس نداشتن و انکار کردن تاریخ و تمدن آریایی که نیاکان ملت تاجیک یکی از وارثان واقعی آن می‌باشند، حقوق معنوی نداریم.

در برابر این، ما کوششهای سوء استفاده کردن را از میراث فرهنگی به خاطر تلقین غایه‌های نژادپرستی با درک مسئولیت بزرگ تاریخ و وجدانی محکوم می‌نماییم و فقط می‌خواهیم که انسانیت از فرهنگ غنی و قدیمه تاجیکان و دستاوردهای ارزشمند تمدن آریایی آگاه و بهره‌ور گردد. زیرا همه گونه میراث فرهنگی ارزشمند تنها به یک خلق و ملت تعلّق ندارد، بلکه آن با مرور زمان دسترس دیگر خلقهای عالم گردیده، به تشکّل افکار و اندیشه سالم و ارزشهای والای عمومی انسانی مساعدت می‌کند. گذشته از این، اخلاق پاک و حمیده و کردار و رفتار نجیب انسانی برابر دیگر تمدنهای بشری در فرهنگ آریایی بیشتر

تجسم یافته است که امروز به دردهای کاهش دنیای معنوی انسانی و تمایل مادی گرایی درمان شفابخش است.

ما خواهان آنیم که تاریخ و تمدن بیش از پنج هزارساله ملّتان در هماهنگی با دیگر تاریخها، تمدن‌ها، فرهنگها و سرنوشت‌های عبرت آموز خلقهای سیاره در راه کمالات انسان همچنان در خدمت باشد، آموخته و دانسته شود و با غرضهای بد و جهانسوز خطرهای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و گلوبالی تحریف و آمیخته نگردد. زیرا در همین دوران استقلالیت ما عاملها و تمایل‌های بدخواهانه، تفسیرهای غرضناک و سودجویانه را در مورد بزرگداشت یک دوران شکوفان علم و فرهنگ و مدنیت بزرگ تا اسلامیمان واضح مشاهده کردیم. رقیبان سیاسی و اعتقادی ملّت تاجیک، چه از داخل و چه از خارج، می‌خواهند اندیشه، بینش و انگیزه‌های مذهبی اسلامی ما را در شناختن و آموختن تمدن آریایی به برخوردهای تخریبکارانه مواجه سازند.

به گذشته دور ملّت خود روی آورده، ما بهترین، شایان‌ترین و گرامی‌ترین اندیشه، سالم‌ترین افکار و رخداد‌های سرنوشت ملّتان را برای تکامل خوشبینانه امروز و آینده خلقمان، بنیاد یک جامعه پیشرفته و دولت نوین می‌آموزیم و استفاده می‌کنیم. زیرا همه گونه ملّت بی دانستن، آموختن و فرا گرفتن ارزشهای معنوی و اخلاقی گذشته و پاس داشتن خاطره تاریخی خود نمی‌تواند رشد و کمال همه جانبه یابد. نیاکان ما یکی از کهنترین تمدنهای جهانی را آفریده‌اند که بر پای دیوار «پندار نیک، گفتار نیک و رفتار نیک» استوار بود. آنها در جریان طولانی تشکلیابی نظام مکمل دولرداری و اداره‌کنی، صنعت اصیل معماری و شهرسازی، طرز تمدن و عاقلانه مناسبت بین ملّتها، احترام آزادی مذهبها و آیینهای مختلف دینی و جریان و مکتبهای گوناگون علمی و فلسفی را به میراث گذاشته‌اند.

آیا ما وظیفه‌دار نیستیم که این تمدن عالم‌شمول و میراث ارزش جهانی داشته را همه طرفه آموزیم، نتیجه گیریم و برای امروز و آینده‌مان همچون پدیده نادر فرهنگی، دستور اخلاق حمیده انسانی و تفکر سالم استفاده کنیم؟

همزمان ما - بنیادگران دولت جوان صاحب استقلال دموکراتیک، حقوق‌بنیاد و دنیوی تنها با فرهنگ آریایی نیاکان خود محدود نمی‌شویم، سنت‌های از بین رفته آن و دین و آیین فنا گردیده را نیز احیا کردنی نیستیم. چونکه امروز بیش از نود و هشت درصد مردم تاجیکستان مسلمانند و ما رسم و آیین، سنتهای رایج و فرهنگ اسلامی خود را گرامی

می‌داریم. افزون بر این، ما کوششهای با هم مقابل گذاشتن فرهنگها را محکوم می‌کنیم، جانبدار گفتگو و مکالمهٔ سودمند تمدن‌ها هستیم، تا که فضای تحمل، همگرایی و تأثیر متقابل فرهنگهای مختلف استوارتر گردد.

بی‌شبهه، آگاهی خوب از تاریخ فرهنگ کهن نه تنها افتخار ملی را به زمانه سازگار می‌سازد، بلکه به تحکیم رابطه تمدن‌ها و خلقهای گوناگون در شرایط مرگب دنیای معاصر مساعدت کرده، به گسترش صلح و همدیگرفهمی زمینهٔ واقعی می‌گذارد.

بنابر این، برابر دیگر اقدامهای شایسته دولtsازی و دولtdاری ما باید نسلهای امروز و فردای ملت را از میراث بزرگ اجدادی که از سرچشمه‌های تمدن آریایی و تمدن اسلام برخوردار شده است، آگاه سازیم، در ضمیر آنها احساس افتخار از دولtdاری، قدر و قیمت دولت مستقل ملی، وطن‌دوستی و میهن‌پرستی، شناختن قدر گذشتگان خردمند خود را تربیه نماییم.

ما از عمق تاریخ نباید خاکستر، بلکه شعله برداریم. تاریخ عبرت‌آموز است و یگان خلق و ملت بی‌ارج گذاشتن به گذشتهٔ خویش به قدر استقلالیت و آیین دولtdاریش رسیده نمی‌تواند. محبت به وطن و تاریخ پرافتخار آن نباید چشم ما را از پیشرفت و دستاوردهای جهان معاصر، وسعت عقل بشریت و ترقیات روز افزون دولتهای متمدن عالم ببندد. برعکس، ما هر قدر وطنمان را بیشتر دوست داریم، باید همان اندازه کوشش نمایم که ارزشهای علمی و فرهنگی عمومی بشری، دستاوردهای تکنیکی و تکنولوژی زمانوی و کشفیات و بازیافتهای نوترین جهانی را آموزیم و در حیات تطبیق نمایم.

یعنی بزرگداشت تاریخ گذشته برای ما هرگز معنای تأکید کردن حق استثنایی ملّتان را در تمدن بشری، یا کوشش جدایی پذیرفتن از روندهای سازندهٔ جهانی و فرهنگ خلقهای پیشرفته عالم را ندارد. ما با تحقیق و آموزش تاریخ ملت و سنتهای فرهنگ قدیمهٔ خلّمان می‌خواهیم جریان از خود کردن ارزشهای عمومی بشری را وسعت بخشیم، روند همگرایی را با کشورهای ترقی کردهٔ عالم گسترش دهیم و در عین زمان به جامعهٔ جهانی با چهره و سیمای خاص ملی خود پیوندیم. والاتر از این، آموزش تاریخ و تجربه در طول قرنهای اندوختهٔ ملّتان به ما برای بنیاد کردن دولت پیشرفته، ترقی‌خواه و صلح‌دوست، همچنین تحکیم پایه‌های دولtdاری ملی، حفظ دستاوردهای استقلالیت، پیش از همه وحدت ملی، صلح و ثبات پایدار

و بلند برداشتن احساس گرم وطن‌داری و وطن‌دوستی و خودآگاهی و خودشناسی ملی مثل آب و هوا ضرور است.

سرنوشت تاریخی ملت تاجیک، چنانی که در کتاب دوم ذکر کرده بودم، مثل مرغ سمندر در آتش لشکرکشیهای اجنبیان و هنگامه‌های برد و باخت تشکلیابی بارها سوخته، باز از نو احیا گشته است: «در طبیعت هر کسی در دل خرسنگی بزرگ روییدن کاجی را دیده باشد، بی‌شک، زندگی پرمشقت سرنوشت تاریخی خلق تاجیک را تصور کرده می‌تواند. هر وجب قد کشیدن درخت و در دل سنگ ریشه راندن او با مشقتهای بسا گران میسر می‌شود. و خلق تاجیک هم در طول تاریخ دراز و پر از برد و باخت خویش برار و بی‌براری و محرومیت‌های خرد و بزرگ را پس سر نموده، از غایت خردمندی و سازشکاری بارها در تمثال دولت و دولtdاری اجنبیان سبزیده است».^{۲۴}

یگان ملت دنیا مثل ملت تاجیک بارها به ورطه فناشوی گرفتار گردیده، باز در لحظه واپسین جان باختن از نو مدار گرفته و احیا شده، از دنبال هر شکست و انقراض چشم‌رس بارها شکسته‌پاره‌هایش را وصل نموده، باز به زینه تازه کمالات نرسیده است.

خطر مدهش بی‌نام و نشان گشتن و از عرصه تمدن جهانی ناعیان رفتن به سر ملت تاجیک در طول هزارساله‌های موجودیتش، نه یک بار و دو بار افتاده است. تاریخ گواه است که بر اثر استیلای پی در پی اجنبیان و جبراً به سر خلق تاجیک بار کردن تمدن و ارزشهای فرهنگی بیگانه، چه در عهد کشورگشایی‌های مقدونیان، چه در دوران هجوم اعراب و چه در هنگامه‌های تاخت و تاز قبایل مغول، سرنوشت هستی دولت، ملت، زبان و فرهنگ چندین هزار ساله نیاکان ما در سر مویی قرار داشت. ولی خلاف پندار و میل بسیار رقیبان توانا و استیلاگران نیرومند که نام و نشان ملت تاجیک را از عرصه تاریخ روفتن می‌خواستند، ملت سرسخت ما هزارها شهرهای آباد، روستا و دهکده‌های سرسبز، شهرستان و کهن دژهای پرآوازه، قلعه و کوشکهای برهوا، آتشکده و عبادتگاههای کهن، کتابخانه و گنجینه‌های بی‌نظیر فرهنگی، کاروانسرای و بازارهای بزرگ را به کام آتش و خرابی می‌داد و روح توانای ابرمردان آن از شرافت تمدن آریایی پایدار و بی‌گزند می‌ماند.

^{۲۴} رحمان اف ا. - تاجیکان در آئینه تأریخ، از آریان تا سامانیان، دوشنبه ۲۰۰۲، ص ۲۰.

از این لحاظ، خرابه‌های سرزم و پنجکت قدیم، تخت سنگین و کیکبادشاه، استروشن و کورشکده پرآوازه، زال زر و هلبوک، یادگارهای خجند و قلعه تیمورملک و دهها آثار کهن‌بنیاد کشور نشانی از تاریخ پرفاجعه ملت تاجیک، شهادت از لشکرکشی‌های بی‌امان اردوی مقدونیان و سپاهیان عرب، تاخت و تاز مغول و قدرت‌طلبان ترک برای خاک و تراب ساختن مکان بود و باش و از بین بردن ارزشهای هستی ملت جفاکشیده ما می‌باشند. تاریخ ملت ما سراپا از مبارزه‌های آشکار و نهان برای نگاه داشتن هستی، آیین دولرداری، هویت ملی و ارزشهای فرهنگی عبارت است.

خارقه دولرداری نیاکان ما هم در عهد تمدن آریایی و هم در آستانه نفوذ اسلام به معجزه شباهت دارد که در لحظه‌های واپسین رسیدن به ورطه تنزل، باز سختیهای خارا شکن دوره تشکل و احیاشوی را از سر گذرانیده، از حوادث ملت‌کشی تاریخ در امان مانده است. امپراتوری مصر قدیم با وجود تمدن عالمگیر و شکوه و آوازه سه قرن دولرداری فرعونهایش، بعد استیلای اسکندر مقدونی و تاخت و تاز قیصران روم تدریجاً از میان رفته، در آستانه نفوذ اسلام زبان و رسم الخط و هویت ملی و فرهنگی را کاملاً از دست داد. دولت ابرقدرت بابل با مناره آسمانگیر و باغ معلّق معجزه‌ایش از اثر فتوحات مقدونیان و سلوکیان به زیر تأثیر تمدن هلنی و سپس تمدن اسلام افتاده، کل ارزشهای ملی و آیین دولداریش را به باد فنا داد. ولی نیاکان ما صرف نظر از فشار و تأثیر تمدن هلنی، بودایی و دیرتر آیین اسلام، رستاخیزی عجیب و عبرت‌آموزی را پس سر کرده، ضمن برخورد و بهره‌برداری از این تمدنهای بیگانه، احیای جدید، زینۀ نوین بالاروی و کمالات را پیموده، به پایه تازه انکشاف خویش رسید.

تمدن آریایی که یکی از قدیمترین و بانفوذترین تمدنهای بشری است، بخصوص هنگام دولرداری متمرکز هخامنشیان - شاهنشاه آریایی شهرت جهانی یافته، با ریشه‌های تاریخی، ارزشهای معنوی و اصالت زبانی‌اش از سرزمین هند تا کناره‌های یونان دامن گسترده است. در عهد هخامنشیان مقام و مرتبه تمدن آریایی خیلی افزوده، در میان قوم و قبیله‌های آریایی‌نژاد سرزمین شرق نزدیک و آسیای میانه قرابت عنصرهای نژادی، انگیزه‌های همسان اتنیکی، عمومیت زبانی، همرنگی رسم و آیین و مذهب و اخلاق، نهایت مرزهای مشترک جغرافیایی، دولرداری متمرکز یگانه، سرنوشت عمومی تاریخی و غیره باعث گسترش رابطه‌های اقتصادی و فرهنگی و معنوی و اجتماعی گردیده، کل قومهای آریا را باز با همدیگر نزدیکتر و متحدتر نمود.

کورش کبیر به نخستین امپراتوری متمدن آریایی بنیاد گذاشته است که تا زمان لشکرکشی و کشورگشایی‌های اسکندر مقدونی در تاریخ تمدن بشری نظیر نداشت. امپراتوری تأسیس داده او، مطابق معلومات کتیبه‌های دارای بزرگ و مورخان یونان قدیم، چندین دولتهای جهان کهن - پارس و ماد، بابل و آشور، مصر و فینیقیه، لیدی و اورارتو، پرفیه و هیرکانیه، سغد و باختر و غیره را در قلمرو ۲۲ ولایت متحد نموده، در حدود سه قطعه عالم - آسیا، اروپا و افریقا دامن گسترده بوده است. کورش در تاریخ تمدن بشری با سیاست عاقلانه کشورگشایی، تأسیس امپراتوری توانا و متمرکز آریایی، اصول نو اداره و شکل مکمل دولرداری، اصلاحات امور سپاه و نظام لشکر، گسترش تجارت و تدبیرهای راهسازی، علی‌الخصوص پایداری عدالت و پشتیبانی حقوقی منزلت جمله خلقیتهای ساکن قلمروش، شهرت جهانی پیدا کرده است. اعلامیه تاریخی کورش باشد، از جانب عالمان و مورخان، همچون نخستین اعلامیه حقوق بشر اعتراف شده است که نظام عادلانه، انسان‌پرورانه و دنیوی دولرداری را پشتیبانی می‌کرد.

کورش کبیر در میان شاهنشاهان عهد قدیم، یکی از عاقلترین، باانصافت‌ترین، کم‌آزارترین و دوراندیش‌ترین شاهنشاه بود که با تمدن‌آفری و دولتسازی، انسان‌پروری و عدالت‌پیشگی و رفتار و اخلاق حمیده‌اش نفوذ عالمگیر یافته است. نیاکان ما در آن دوره‌های دور تحت پرچم کورش کبیر، نه تنها یک دولت مقتدر و متمرکز مشترک، بلکه سرنوشت مشترک، تاریخ و فرهنگ مشترک، زبان و خط مشترک و رسم و آیین مشترک را بنیاد گذاشتند که از سرچشمه تمدن آریایی آب می‌خورد.

سرنوشت دولرداری کورش به سرنوشت دولت امروزه تاجیکان خیلی شباهت دارد که روحیه وحدت و متحدسازی ملت، پشتیبانی صلح و عدالت، گسترش تجارت و اقتصادیات و بنیادکاری و آبادانی، اصلاحات نظام لشکر و تکمیل اداره مملکت از جمله این ماندنی و هماهنگی‌ها است.

امروز ملت تاجیک از فراز و شیب تاریخ و آزمایشهای سخت و سنگین صدساله‌ها گذشته باشد هم، زبان مادری، علم و ادبیات عالمگیر، اصالت تاریخی و فرهنگی و هویت ملی خویش را نگاه داشته است که از همان جوهر بشردوستی تمدن آریایی و دستاوردهای پر ارزش تمدن اسلام غذا می‌گیرد.

محض از شرافت استقلالیت، ما به ریشه‌های دور تاریخی ملت خویش رو آورده، سال ۲۰۰۶ را سال بزرگداشت تمدن آریایی اعلام داشتیم. هدف از این تدبیر، نه تلقین غایه‌های نژادپرستی و ملتگرایی، بلکه رو آوردن به سرچشمه پاک و زلال افکار فرهنگی گذشتگان است که قدر و قیمت استقلالیت و آزادی را برای نسلهای منبده افزوده، آنها را به بنیاد دولت صاحب استقلال پیشرفته، ترقی خواه، صلح دوست و متمدن هدایت می کند.

آزادی و استقلالیت در هر دور و زمان نعمت بی بها و والای حیات انسان، نشانه برجسته سیمای و تشکل تاریخی، کفیل پیشرفت، رمز اصالت و هویت و شرط بقای ملت و پایداری دولت می باشند. گذشته از این، استقلالیت مظهر ایده آل و آرمانهای تاریخی، شناسنامه بین المللی، ضمانت هستی واقعی و شرافت و اعتبار جهانی ملت است.

تجربه بشری ثابت می سازد که آزادی و استقلال با آسانی به دست نمی آید. ما ملتها و خلقهای زیادی را می دانیم که در گذشته نه چندان دور، برای دستیابی به استقلالیت، دهساله ها پیکار نموده اند و در این راه هزاران فرزندان آگاه و اصیل خود را از دست داده اند.

اگر ما روند ظهور و تاریخ تشکل استقلال ملتمان را عمیقاً بررسی نماییم، روشن خواهیم دید که راه به سوی استقلالیت دشوار و طولانی، پر از شیب و فراز و سرشار از مبارزه و اشتباهات و روندهای اختلاف آمیز و ضدیتناک بوده است. ولی در نهاد ملت ما عاملهای بنیادی احیای تدریجی استقلالیت همیشه وجود داشت که اصالت و هویت استوار و عملاً شکست ناپذیر تاریخی، سنتهای بیش از سه هزارساله دولرداری، ارزشهای بزرگ و سازنده اجتماعی، فرهنگ و معنویات غنی و غیره در اصل شاهستونهای حیات فعال و تاریخی ملت ما بودند. آرمان استقلال فرزندان مبارز، وطن دوست و دانشمند ملت را همواره به نگاه داشتن هویت ملی، تلقین و تحکیم آیین دولرداری، تأمین پیوند ناگسستنی نسلها و نهایت حفظ استقلالیت وطن و پایداری تمدن اجدادی راهنمایی کرده، در دوره های مشکل زندگی به آنها نیرو و توان بخشیده است.

ولی متأسفانه بعضی قلم به دستان سرنوشت ملت تاجیک را طرزی تصویر می کنند که گویا روح مبارزه های میهن پرستی و تلاشهای استقلال خواهی برایش خاص نباشد. آنها مقام و منزلت و سیمای واقعی ملت ما را با بهانه های فروتنی، کناره جویی از جنگ و نبرد، بردباری و مراساکاری، صبر و تحمل غیرعادی و دشمنی نورزیدن آگاهانه کم می زنند. بر خلاف گفته و نوشته های بدخواهانه و غرضناک بعضی مؤلفان، نیاکان تاجیکان در تمام دوران هستی

اجتماعی خود مردم مبارز، فداکار و وطن‌دوست بوده، تلاش و پیکار برای وطن، حفظ استقلال و آزادی و نبردهای بردوام و بی‌امان بر ضد همه گونه دشمن در روح و روان آنها سخت ریشه‌دار بوده است. تاریخ چندین هزارساله ملت تاجیک، اصلاً تاریخ مبارزه‌های سخت و سنگین و جانبازیهای پر از فاجعه برای استقلالیت و آزادی، بنیاد و حفظ دولتداری ملی و با مراسا و مدارا، حسن تفاهم، زیرکی و بیداری رهیدن از چنگال رقیبان سرسخت می‌باشد.

به شهادت تاریخ، تاجیکان بارها با دشمنان و استیلاگران رو به رو شده‌اند که نیرومندترین قدرت زمان خود بودند، ولی آنها با جسارت و متانت، فداکاری بی‌مثل و مانند، زیرکی و فراست فطری، تدریجاً به دست آوردن اداره ملک و آیین دولتداری میان ابرقدرتان مغلوب‌ناپذیر را شکسته‌اند.

تاریخ دوره‌های هجوم و تسلط اجنبیان شهادت می‌دهد که ساکنان شهرهای قدیمه و روستاهای زیاد نیاکان ما برای آزادی و استقلال تا فرد آخرین مقاومت نموده، در نبردهای نابرابر قهرمانانه هلاک می‌شدند. واقعاً، یک رکن فعال این مبارزه‌های استقلالخواهی، زنان و دختران فداکار بودند که در لحظه‌های دشوارترین تاریخ، نه تنها مردانه‌وار جنگیده، مرگ باشرف را از تابعیت و اسارت اولاتر دانسته‌اند، بلکه به نظام اداره ملک و تخت و تاج قیصران و شاهنشاهان اجنبی راه یافته، برای نجات وطن و آرمانهای استقلال جانبازها کرده‌اند.

به مقابل اسکندر مقدونی مغرور و جهان‌ستان شوریده، دو سال تمام با لشکر بی‌شمار و شکست‌ناپذیر او نبرد و پیکارهای بی‌امان بردن اسپیتامین صف‌شکن، مگر دلیل مبارزه‌های استقلالخواهی نیست؟ بعد مرگ اسپیتامین نبردهای آشکار و نهان را در قسمت جنوبی قلمرو سغد و باختر به مقابل اسکندر مقدونی ادامه دادن کتن^{۲۵} و در نبردهای محاربه نابرابر منطقه پریتکینا^{۲۶} قهرمانانه هلاک شدن او مگر از ادامه تلاش و پیکارهای میهن‌پرستی و آزادی‌خواهی گواهی نمی‌دهد؟

^{۲۵} - Оранский И.М. К имени бактрийского вождя Катана. Дар китоби Центральная Азия в Кушанскую эпоху. Том I. М. ۱۹۷۴. - С. ۳۳۹; История таджикского народа. Том. I. Душанбе, ۱۹۹۸. - С. ۳۱۸.

^{۲۶} - اورانسکی م.ا. - با استناد از متن مورخ یونانی اریان (اریان چهارم، ۲۲، ۱-۲) این موضع را قسم باختر و ساحل راست رودخانه آمو می‌شمارد.

گذشته از این، موافق دلیلهای ردناپذیر مورخان یونانی به تخت اسکندر مقدونی همنسب ما رخشانه دختر و خشورت «همسر شرقی و اسیر مقدونیه»^{۲۷} نشسته، در اطراف خود و پسر خردسالش اسکندر چهارم نیروهای خیرخواه و نیک‌مظهر، از جمله اشرافان باختری^{۲۸} را گرد آورد و دوازده سال تمام - تا لحظه او را زهر داده کشتن رقیبان سرسختش امپراتوری بزرگ مقدونیه را اداره می‌کرد. و اجابت چرخ تاریخ و ادامه تلاشهای استقلال‌خواهی در آن است که بعد مرگ رخشانه، به عرصه سیاست و دولرداری هلنی آئمه دختر اسپیتامین آمد که او همسر امپراتور نو مقدونیان - سلوک بود. پسر آنها انتیوخ اول در دوره زندگی پدرش سلوک شریک قانونی سلطنت سلوکیان گردیده، حکمرانی حدودهای آسیای میانه، از جمله ولایتهای باختر، سغد، مرغیان و پارت را به عهده داشت. نیره اسپیتامین - انتیوخ در قلمرو ملک اجدادی سیاست مراسا و مدارا را پیش برده، «خود را وارث آریاشهر می‌حسابید».^{۲۹}

چنانی که می‌بینیم، با وجود نفوذ تمدن هلنی، استیلاگران مقدونی در سرزمین اجدادی نیاکان تاجیکان - سغد و باختر به مبارزه‌های شدید استقلال‌خواهی، فرهنگ‌بلندپایه آریایی، نظام پیشرفته دولرداری، دین صاحب کتاب دارای جوهر والای فلسفی و اخلاقی و از همه مقدم به روح بی‌شکست فرزندان آزادی پرست و قوی‌اراده و زیرک و تدبیرساز دچار آمده، بسیار دستاوردهای تمدن آریایی را پذیرفتند.

این گونه مثالها در روند تاریخ فاجعه‌بار و پر از شیب و فراز ملت ما کم نیستند. بیاید دور نرفته، دوران استیلای عرب و تاخت و تاز ترکها را پیش نظر آوریم. مگر خاندان برمکیان بلخ نبودند که دخالت خلفای عرب را در نظام دولرداری کوتاه کرده، تمام امور اداره امپراتوری پهناور را به دست آوردند و برای آبادی و پیشرفت تمام جبهه‌های حیات اقتصادی و مدنی خراسان و ماوراءالنهر تدبیرهای عاقلانه می‌اندیشیدند؟ مگر حسن تدبیر ملکه بخارا توغشاده نبود که با زیرکی و خوشنوازی و ارسال خراج و پاداشهای مناسب تجاوز لشکر خونریز عرب را از فتح بخارا و خرابسازی آن مدت دهساله‌ها کوتاه کرد؟ مگر وردانخودات نبود که نیروی متحد سغدیان را به مقابل تواناترین و مگارتترین لشکرش عرب قتیبه ابن مسلم برخیزانده، او را به محاصره گرفت و شکست سخت داد؟ مگر سرلشکر خودپسند عرب

^{۲۷} - Гафуров Б. Цибукидис Д. Александр Македонский и Восток. М., ۱۹۸۰. - С.۳۴۷.

^{۲۸} - Ставиский Б.Я. Кушанская Бактрия. Проблемы истории и культуры. М., ۱۹۷۷. - С.۱۰.

^{۲۹} - یعقوب‌اف ی. - تاریخ خلق تاجیک، آما آتا ۲۰۰۰، ص ۱۶۳.

و والی خراسان اسد ابن عبدالله نبود که با سپاه افزون و جنگدیده در طول ده سال، سه مرتبه پی در پی به ختلان لشکر کشیده، از جانب پیشوای ختلانیان شهبال و بدر ترخون شکست شرمنده وار خورد؟

مگر ابومسلم خراسانی نبود که بر ضد امویان عصیان برداشته، همچون سیاستمدار، لشکرکش و تشکیلاتچی ماهر لشکر سیرشمار آنها را در نهایند شکست داد و قلمرو خراسان و ماوراءالنهر را تحت وصایت خود آورده، با حسن تدبیر و زیرکی، نخستین والی خراسان از میان مردم محلی شد؟ به قول دانشمند توانا ذبیح الله صفا، «هدف اصلی قیام ابومسلم احیا و تجدید فرهنگ ایرانی و برانگیختن ایرانیان از خواب یکصدساله و آماده کردنشان برای بر انداختن سیاست نژادی عرب و بازپس گرفتن استقلال از دست رفته بود».^{۳۰} و خاندان خلفای عباسی از شهرت روز افزون و اندیشه‌های استقلالخواهی این سرآمد جوانمردان خراسان هراسیده، او را در عین کمالات سن ۳۵ سالگی با مکر و حيله کشتند.

مگر شورش و مبارزه‌های پی در پی فرزندان بانگ و ناموس و برومند ملت ما - سندباد مغ، دیوشتیج، غورک، مقنّع، بابک، تیمور ملک، محمود ترابی، شابال و دههای دیگر از روح مبارزه، آزادیخواهی، میهن‌پرستی، صلابت و جوانمردی، حسن تدبیر و زیرکی و آرمانهای والای استقلالخواهی شهادت نمی‌دهد؟

گذشته از این، در تاریخ خلق ما جنبشهای بزرگ سربداران معروف است که در آن دهها هزار افراد وطن‌دوست تحت شعار مقدّس «زندگی باشرفانه یا سر به دار» در مدت دهساله‌ها پیکار آزادیخواهانه و فداکارانه نموده‌اند. این مقاومت‌های وطن‌دوستانه و آزادیخواهانه در قرنهای منبده نیز در شرایط باز هم سنگین‌تر تاریخی ادامه یافت.

حتی تلاش و پیکار بیش از سی ساله فردوسی در نگارش «شاهنامه» نمونه عالی وطن‌دوستی و استقلالخواهی بوده، با تصویر تاریخ پر افتخار سلسله پادشاهان پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان شکوه و شهامت فرهنگ قدیمه و آیین دولرداری نیاکان ما را افزوده، دم شمشیر خونریز بیگانگان را کند ساخت و صف‌شکنان استیلاگر را با تمدن چندین هزارساله گذشتگان ما آشنا نموده، ملت ما را از خطر پراکندگی و نابودی رهانید.

^{۳۰} - ذبیح‌الله صفا - تاریخ ادبیات ایران، دوشنبه ۲۰۰۱، ص ۱.

فرزندان فدایی و باناموس ملت ما در همه دور و زمانها، علی‌الخصوص هنگام استیلای مغول‌نژادان، در جایی با سلاح و سپاه، در جایی با زیرکی و حسن تدبیر، در جایی با خرد و فرهنگ والا، در جایی با هدایت و پند و حکمت و در جایی با مراسا و مدارا تلاشهای استقلالخواهی برده‌اند که این عاملها با افتخار ملی و احساس وطن‌داری پیوند ناگسستنی دارند.

از این جهت فرزندان آگاه و فرزانه ملت ما از افراد اساطیری نمونه اجتماعی شده رستم دستان، سهراب یل، سیاوش جوانمرگ و پادشاهان شجاع و وطن‌پرور - کورش کبیر، داریوش بزرگ، اسپیتامین، وخشورت، کنیشکای بزرگ، خسرو انوشیروان، طاهر ابن حسین، عبدالله طاهر، یعقوب لیث و بخصوص اسماعیل سامانی تجسمگر برجسته روح توانا و بی‌شکست، آمیزش جسارت عاقلانه ارث و اراده باثبات، تلاشهای خستگی‌ناپذیر دولتسازی و دولتداری و تحکیم آزادی و استقلال بودند. به شرافت تلاش بردوام و پیگیرانه آنها، آیین دولتداری ما تاریخاً بنیاد نیرومند معنوی و اصالت فرهنگی کسب کرده، در گهواره دو تمدن بزرگ عالم - تمدن آریایی و تمدن اسلام به کمال رسید و این تمدنها را تدریجاً رشد و نمو و شهرت جهانی بخشید.

تاجیکان در درازای تاریخ با زیرکی و حسن تدبیر، عقل و دانش و خرد ازلی خود در کارهای دولتداری نقش برجسته بازیده، با فرهنگ عالم‌شمول، نظام تشکّل یافته دیوانداری و اداره دولت، سنتهای اصولاً قوی و زبان شیوا در برابر نگاه داشته توانستن هستی خود، در رشد و گسترش تمدن جهانی سهمی ارزنده گذاشتند.

ما امروز افتخار داریم که تاجیکان از جمله قدیمترین ملتهای جهان بوده، با آثار گرانبهای مادّی و معنوی خود برای پیشرفت فرهنگ و معنویات خلقهای دیگر، از جمله خلقیتهای منطقه آسیای مرکزی خدمت شایسته کرده‌اند.

تجربه ارزشمند تاریخ مبارزه برای آزادی و استقلال در قرن ۲۰ - در دوران نهایت مرگب سرنوشت ملت تاجیک اهمیت فوق‌العاده حیاتی داشت که به آن جامعه‌شناسان و تاریخنگاران ما توجه جدّی نکرده‌اند. طوری که تاریخ ثابت می‌سازد، در آخر قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰ ملت تاجیک بنا بر عاملهای زیاد در مرحله نهایت حسّاس و خطرناک تاریخ خویش قرار داشت.

بخصوص، در جریان یک قرن آخر، ملت تاجیک دوره پر از تضاد و مبارزه‌های پرفاجه را پس سر نموده، سه زینه انکشاف دولت و دولرداری و راه سخت و سنگین رسیدن به استقلالیت ملی را پیموده است: انتهای دوره دولرداری امارت بخارا، تأسیس یابی جمهوری مختار تاجیکستان در دوران اتحاد شوروی و نهایت اعلام شدن جمهوری صاحب استقلال تاجیکستان و نوسازی و احیای دولرداری ملی.

تأسیس یابی جمهوری مختار شوروی تاجیکستان در قلمرو بخارای شرقی، صرف نظر از اشتباهات تقسیمات مرزی و محدودکنی حقوقی خلقیهای تاجیک تبار کشورهای همسایه، برای پیوستن ملت تاجیک به ریشه‌های کهن تاریخی و تشکّل شکل نو دولت و دولرداری آنها مساعدت نمود.

دایره‌ها و گروههای منفعتدار، نه فقط اصالت و هستی تاریخی تاجیکان را از جهت غایه‌ای و سیاسی بدقصده انکار می‌کردند، بلکه با همدستی و مساعدت فعال یک طایفه فرزندان ناخلف خلق ما می‌کوشیدند که ملت تاجیک همچون ملت اصیل و صاحب‌وطن مبتلای فراموشخانه تاریخ گردد.

در چنین دوران سرنوشتساز، استاد صدرالدین عینی وارد صحنه پیکار مقدس ملی شد که مبارزه جسورانه و فعالیت خردمندانه فرهنگی و معنوی، سیاسی و اجتماعی و غایوی و ادبی او در اصل کارنامه بزرگ ملی او سهمی شایسته در تأمین استقلال وطن در این مرحله تاریخی بود.

در کار مقدس تأمین حقوق و منفعتهای تاریخی تاجیکان، همچنین ابولقاسم لاهوتی و باز یک گروه ضیائیان وطن‌پرست سهمی ارزنده دارند. با وجود مشکلات و مانعهای زیاد چندی از شخصیتهای سیاسی و حزبی، علی‌الخصوص شیرینشاه شاه‌تیمور و نصرت‌الله مخسوم به خاطر تأمین منفعتهای تاجیکان و تاجیکستان تلاش فعالانه ورزیدند که همه این در مجموع به تأسیس جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان در سال ۱۹۲۹ مساعدت نمود.

روندهای مرکب و شدید سالهای ۳۰ و ۴۰ قرن ۲۰ به سرنوشت ملت ما تأثیر عمیق و پرتضاد داشته، سببگار قربان گردیدن آدمان زیاد، بخصوص ضیائیان و روشنفکران و مهاجر و بی‌وطن شدن دهها هزار تاجیکان، کاهیدن مقام اصالت و فرهنگ و سنت و عنعنهای ملی گردیدند.

از جانب دیگر، تشکّل ساختارهای گوناگون، از قبیل ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور ناگزیر سطح معرفت و خودشناسی اجتماعی را تدریجاً بالا می‌برد که این روند ضرورت شناخت تاریخی و ملی را تارفت جدّیتر پیش می‌گذاشت.

این تقاضای تاریخ را فرزند فرزانه خلق تاجیک باباجان غفوراف عمیقاً درک کرد و آن را عاقلانه عملی ساخت. او در مقام راهبر اوّل تاجیکستان برای تقویت ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و معرفتی و فرهنگی کشور تلاش هدفمند و موفّقانه نمود که تألیف «تاریخ مختصر خلق تاجیک» و بخصوص شاه‌اثر تاریخی «تاجیکان» از جمله خدماتهای بزرگ و بی‌سابقه‌اش می‌باشد. آثار او سنت تاریخننگاری معاصر تاجیک را عملاً بنیادگذاری نمود که هدف اصلی آن شناخت حقیقی سرنوشت مردم در اساس سرچشمه و منابعی اصیل و کاربرد وسیله‌های تحقیق علمی آکادمیک با وجدان صاف و اخلاق پاک علمی می‌باشد.

این سنت بازگو می‌نماید که ما تاجیکان هیچ گونه نیازی به تحریف آگاهانه تاریخ، تاریخسازی، بزرگ‌تراشی و پدیده‌های دیگر غیر علمی نداریم. ما خود صاحب آنچنان تاریخ پرغناوت و درخشان هستیم که حتّی شناخت نسبی آن مجسمه گویا و واضح ملّت ما را در عرصه تمدّن جهانی پدیدار می‌سازد. من این نکته را به آن خاطر تأکید کردم که در روزهای ما آثار به نام تاریخی پدید می‌آیند که با این سنت بزرگ سازگاری ندارند و حتّی مخالف واقعیت و اخلاق علمی می‌باشند.

تاریخ هفتاد سال همزیستی در هیئت اتّحاد شوروی، یک پاره فراموش‌نشونده احیای استقلالیت و دولت و دولّتداری ما در فضای نو سیاسی بوده، با وجود محدودیت‌هایش جمهوری مختار تاجیکستان را به سوی اقتصاد پیشرفته جهانی، تکنیکی و تکنولوژی مکمل و معرفت‌والای زمانوی هدایت کرد.

طبیعی است که نظام موجوده حاکمیت شوروی محدودیت‌های آشکار خود را داشت و در چهارچوبه نظام آن با حسن تدبیر و ارادت و تلاش پیگیرانه تقویت بیشتر نیروهای استحصال، اقتصادی و تکنولوژی امکانپذیر بودند.

اما ساخت موجوده شوروی با وجود پیگیری عدالت اجتماعی حقوقی خلقیتهای قلمروش را عاید به خودمعین کنی ملی تا حد تأسیس دولت مستقل اعلام داشته باشد هم، در اصل روندهای سیاست یگانه عمومی دولتی، اقتصادیات و اجتماعیات متمرکز و تشکّل فضای یگانه رابطه‌های ملی و فرهنگی را پیاده می‌کرد. در عین حال برای تکمیل عنصرهای

دولتداری ملی و نفوذیابی ارزشهای ملی به طور آشکار و نهان مانع‌ها ایجاد می‌نمود. چنان که در حدود جمهوریهای ملی سوئزکتهای حاکمیت دولتی و اداره‌کنی موجود بودند که عملاً تابع حاکمیت مرکزی بوده، حتی به حاکمیت عالی جمهوریهای موجوده اطاعت نمی‌کردند.

سیاست اقتصادی و بنیاد کارخانه‌های عظیم صنعتی نیز با وجود بسیار افضلیتهایش به منفعتهای عالی ملی و استقلالیت دولتی سازگار نبود. این کارخانه‌های عظیم عملاً تابع مرکز بوده، با نظام اقتصاد جمهوری ارتباط قوی نداشت. سیاست ساختار زیربنایی ارتباطات جمهوری نیز از روی منفعتهای مرکز کاربست می‌شد. مثلاً، در دوام شش ماه زمستان دو ولایت بزرگ مملکت - بدخشان و لنین‌آباد عملاً با پایتخت و مرکز جمهوری راه مساعد رفت و آمد نداشتند. در بخش کشاورزی باشد، به پنبه‌کاری افضلیت دهند هم، در کارخانه‌های صنعت سبک کشور قسم کم پنبه کارکرد می‌شد. حتی در دو ولایت بزرگ - ولایت قرغان‌تپه و ولایت کولاب که ۶۰ درصد پنبه مملکت را استحصال می‌کردند، یگان کارخانه مجهز بافندگی فعالیت نمی‌کرد.

همچنین با بهانه حمایه منفعتهای عمومی دولتی و عمومی حزبی دایره منفعتهای ملی محدود گردیده، وکالت و عهده‌داریهای طرفین در روی کاغذ می‌ماند. علی‌الخصوص احترام گذاشتن به تاریخ و فرهنگ ملت، زبان ملی، عرف و عادت و دیگر رسم و آیینهای اجدادی کاهیده، جای آن را طنطنه رسمیت‌های حزبی و آیینهای شخص پرستی می‌گرفت.

این عاملها تدریجاً باعث پدید آمدن بحران عمیق اجتماعی در جامعه ما گردیده، دیرتر میلیهای مرکز‌گریزی و استقلالخواهی را پدید آوردند. علی‌الخصوص مرحله بازسازی به روند استقلالخواهی و ظهور حرکت‌های ملی تکانی جدی بخشیده، تفکر مرکز‌گرایی رو به تنزل می‌نهاد و موج اصلاحات‌خواهی اوج می‌گرفت.

در صف پیش حرکت‌های استقلالخواهی و جنبشهای ملی در جمهوری ما، طبیعی است که ضیائیان و دیگر طبقه‌های فعال جامعه قرار داشتند. دایره ضیائیان، علی‌الخصوص ضیائیان ایجادکار که از مرکزیت‌یابی مناسبتها، کاهیدن رابطه با کشورهای خارجی هم‌زمان و هم‌جوار، فشار چهارچوبه ایدئولوژی، گسترش فضای سانسور و دیگر مانع‌های بروکراتی ناراضی بودند، وزیدن نسیم بازسازی را خوش پذیرفتند. تلاشهای ی که طی سالهای هشتادم در اطراف

زبان تاجیکی و میراث فرهنگی صورت گرفت، در دوره بازسازی جنبشهای خودشناسی ملی را قوت بخشید.

این حقیقت بخصوص در دوران بازسازی و تحولات تاریخی و انقلابی به آن پیوند واضحتر گردید. محض در همین دوره امکانیت تاریخی همبستگی و اتحاد تمام نیروهای فعال جامعه و همه مردم برای نایل شدن به هدف عالی و مقدس ملی - استقلال تاجیکستان فراهم آمد. در مرحله تلاش برای مقام دولتی زبان تاجیکی تقریباً افکار عمومی ملی بالا گرفته، عامل اساسی و مهمترین قبول قانون تاریخی زبان شد.

استقلالیت دولتی جمهوریه‌های شوروی، از جمله تاجیکستان، رسماً بعد تأسیس یافتن اتحاد سه جمهوری اسلونی، جمهوری بیلاروس، اوکراین و روسیه ابتدا گرفته، به پراکنده‌شوی امپراتوری ابرقدرت شوروی و فرا رسیدن مرحله نو تاریخی راست آمد. روند فرارسی استقلالیت دولتی و خود را جمهوری مستقل و سوئزکت کامل حقوق مناسبت‌های بین‌الخلق اعلان نمودن تاجیکستان، از روی رسمیت به دیگر جمهوریه‌های تازه‌استقلال شباهت داشته باشد هم، جریان منبده آن دگرگونه‌های جدی، علی‌الخصوص مقاومت و اختلاف‌های شدید اجتماعی و نهایت جنگ تحمیلی شهروندی را به بار آورد.

متأسفانه، این امکانیت بزرگ تاریخی در سطح مطلوب استفاده نشد و باعث سر زدن تظاهرات و مقاومت‌های شهروندی گردید. نیروهای نوظهور سیاسی در فعالیت عملی خود به زیاده‌روی، سیاسی‌سازی مشکلات جامعه، بعضاً رادیکالیزم و اعمال خرابگرایی سیاسی راه می‌دادند و برای رضایت همگانی عمومی خلقی و وحدت ملی تلاش ضروری نداشتند. در چنین مرحله حساس و سرنوشت‌ساز، ۹ سپتامبر سال ۱۹۹۱ استقلال سیاسی و دولتی کشور عزیزمان رسماً اعلان شد. این یکی از واقعه‌های بزرگترین در تاریخ پرشیب و فراز خلق ما بود، زیرا امکان عملی تأسیس دولت آزاد و مستقل ملی بعد صدساله‌ها از نو فراهم گردید.

هم حکومت، هم مخالفین سیاسی و هم نیروهای دیگر حزبی و اجتماعی عمیق درک کرده نتوانستند که هدف استقلال برتر و والاتر از هدف و منفعتهای سیاسی، گروهی و شخصی بوده، برای تمام ساکنان مملکت و خرد و بزرگ ملت ارزش مقدس و تبادله‌ناپذیر است.

گذشته از این، به نظر نگرفتن مضمون اصلی و ماهیت روندهای نهایت مرگب منطقه‌ای و بین‌المللی، بخصوص هدفها و غرضهای دایره‌های معین بعضی دولتهای خارجی نسبت به تاجیکستان به واقعیت مدهش سرنوشت ما آورده رساند.

اسناد و مواد دسترس بیانگر آنند که دایره‌های معین منفعتدار، اندیشه به سر ملت ما تحمیل کردن ایدئولوژی بیگانه را داشتند. بعضی دیگرشان نقشه‌های تقسیم و تجزیه نمودن کشور عزیز ما را کشیده، با همدستی بعضی افراد قدرت‌خواه و خیانت‌پیشه حتی به تطبیق عملی آن کوششها به خرج می‌دادند.

ادامه جنگ به این هدفهای شوم مساعدت می‌کرد. خطر به قسمها جدا شده، از بین رفتن دولت تاجیکان و پراکنده گشتن ملت تاجیک، در عین زمان درک والایی استقلال وطن و چشیدن شهد غریبی از جانب مردم کشور، مخالفین سابق و اکثر نیروهای سیاسی راه سازش و مذاکرات آسایشته را به سوی رضایت سیاسی و وحدت عمومی ملی گشاد.

حیات درستی این راه را اثبات کرد. از برکت صلح و ثبات ما توانستیم مقامات و ساختارهای فلج‌شده حاکمیت دولت را از مرکز تا محلها برقرار کنیم، در یک مدّت کوتاه، زیاده از یک میلیون نفر گریزه‌ها را به جای زیست دایمی‌شان برگردانیم و به آباد کردن خرابه‌های جنگ آغاز نماییم که تاریخ چنین کار را کم در یاد دارد.

رشد معنویات ملت و پایداری و شکوفایی دولت ما در طول هشت سال پس از امضا شدن سند سازشنامه آشتی ملی و استقرار صلح خیلی وسعت یافت و در ذهن و شعور مردم ما ارزشهای ملی جای خاصه را اشغال کردند. با شرافت استقلالیت دولت ما امکان پیدا کردیم که با تاریخ ملت کهن‌بنیاد خود بهتر و بیشتر آشنا شویم، ریشه‌های تمدن گذشته را جستجو کرده، آن را برای تحکیم وطن‌دوستی و خودشناسی، افتخار ملی مردم و تقویت پایه‌های دولت صاحب استقلالمان استفاده بریم.

جشنهای استقلالیت دولتی، نوروز باستانی، روز وحدت ملی به جشنهای عمومی خلقی تبدیل یافتند. همچنین صاحب پرچم، نشان دولتی، سرود ملی، ارتش ملی، قوه‌های سرحدی، پول ملی و عضو کامل حقوق سازمان ملل متحد، سازمان امنیت و همکاری در اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی و دهها سازمانهای بانفوذ بین‌المللی مالیوی گردیدن تاجیکستان از دستاوردها و ارزشهای مقدس دوران استقلالیت بوده، رمز طنطنه دولتداری ملی و به جهان متمدن پیوستن کشور عزیز ما می‌باشند.

ذکر نمودن بمورد است که در شرایط روندهای جهانی شوی باید خلق و ملّتها سیمای معنوی ملّی، از جمله ارزشهای فرهنگی و اخلاقی خود را حفظ کرده توانند. این تقاضای حیات وظیفه مقدّس هر ملّت آگاه و صاحب فرهنگ می باشد. چنانی که گفتیم، در تاریخ تمدّن بشری، بسیار خلقها و قومهای گوناگون بنا بر نگاه داشته نتوانستن اصالت خود، با خلقها و ملّتهای بزرگ و تواناتر آمیخته، هستی زبانی و فرهنگی خود را گم کرده، عاقبت از بین رفتند.

برای ایمن ماندن از این خطر، تفکر سالم ملّی را انکشاف دادن، در مقابل هر گونه تهدیدهای جهانی ارزشهای ملّی خود را حفظ کردن، وحدت ملّی را تحکیم بخشیدن، امنیت و آرامی کشور را تأمین نمودن، سطح آگاهی مردم، خصوصاً جوانان را بلند برداشتن از جمله کارهای دایمی و زحمت طلب سیاسی و فرهنگی همه ما می باشد.

دوره نوین دولّسازی و دولّتداری خلّمان به ما رسیدن به قدر و قیمت استقلالیت و دولت ملّی را آموزانده، به کلی تغییر دادن مناسبتهای موجوده جامعه و استفاده و تطبیق مناسبتهای نو اقتصادی و اجتماعی را به میان گذاشت. نایل گشتن به استقلالیت دولّتی، ما را وادار ساخت به تشکّل اقتصادیات ملّی، ساختارهای نو اداره کنی آن و تهیه و تطبیق قانونهای شروع نماییم که گسترش مناسبتهای بازرگانی مساعدت می کنند.

در نوبت اوّل پیش گرفتن راه اصلاحات اقتصادی، دگرگون نمودن شکل مالکیت و تکامل دادن نظام متمرکز استحصالی و اداره کنی دوران شوروی می ایستد که کل امکاناتهای اعضایان جامعه را محدود ساخته، از نظام یک قطبی دستگاه دولّتی وابسته کرده بود.

برای اداره اقتصادیات ملّی تاجیکستان صاحب استقلال، ساختار نو حکومت تأسیس یافته، قانونها و دیگر سندهای معیاری و حقوقی که همه سمتهای مناسبتهای اقتصادی بازار را تنظیم و روندهای اصلاحات را در همه ساحه های حیات معین می نمایند، قبول و عملی گردانیده شدند.

زینّه اوّل اصلاحات اقتصادی، اصلاحات ساحه کشاورزی بود که آن از طریق دادن زمین به دهقانان و خواجگی های دهقانی آغاز یافت. جاری نمودن نرخهای آزاد در بازار استعمالی، به اختیار کشاورزان واگذاشتن استحصال و فروش محصولات، دخالت نکردن دولت به فعالیت خواجگی داران انفرادی، جلب نمودن قرضهای امتیازناک، کمکهای

بی‌بازگشت، میکروکردیتها و سرمایه‌گذاریهای خارجی تا اندازه‌ای برای پیشرفت ساحه کشاورزی و رشد و صاحبکاری مساعدت نمودند.

اینجا تأکید کردن ضرور است که قبول فرمانهای رئیس جمهور تاجیکستان در باره تقسیم ۷۵ هزار هکتار زمین به مردم جهت تأمین نمودن اهالی با محصولات کشاورزی، نجات دادن ساکنان کشور از خطر گرسنگی و پیش گرفتن استقلالیت آذوقه‌واری مملکت، تدبیری نهایت جدی و سروعاتی گردید.

وظیفه‌های دیگری که در نزد جمهوری صاحب استقلال تاجیکستان می‌ایستاد، این رهایی یافتن از شکل یک‌قطبی اقتصاد متمرکز دولتی، راه گشادن به فعالیت معتدل شکل‌های گوناگون مالکیت، تشکّل و تنظیم سیاست اقتصادی بازرگانی، وارد شدن به مجرای بازار جهانی و از خود نمودن نظام خاص آن بود. زیرا نایل گردیدن به استقلالیت دولتی در برابر اصلاحات سیستم سیاسی جامعه، گشادن راه وسیع و مساعد را برای انکشاف همه‌جانبه اقتصادیات و رشد ساحه اجتماعی تقاضا می‌نمود.

در طی سالهای سپری گشته، جاری نمودن نوعهای گوناگون مالکیت، شکل‌های مناسبتر تشکیل خواجگی‌داری، پیش گرفتن سیاست خصوصی‌گردانی مالکیت دولتی، به معاملات برآوردن اسعار ملی، آزاد نمودن نرخها، بنیاد کارخانه‌های مشترک، با منفعتهای ملی هماهنگ ساختن رابطه‌های اقتصاد خارجی، جاری نمودن سودای آزادی بیرونی و حل افضلیتناک مسئله‌های اجتماعی امکانت دادند که برای رشد استواری اقتصادیات تاجیکستان، مستحکم نمودن پایه‌های دولتداری و تحکیم دستاوردهای استقلالیت قدمهای استوار گذاشته شوند.

رشد اقتصادی بازاری، یعنی به نبض اقتصاد جهانی همصدا شدن نبض اقتصادیات تاجیکستان راه درست انتخاب نموده مردم کشور است که برای رسیدن به درجه کامل انکشاف آن باز زحمتی زیاد کشیدن لازم می‌آید. حالا حکومت تاجیکستان در همه سمتهای اصلاحات اقتصادی چاره‌بینی‌های مشخص را به خاطر بی‌میلان رواج دادن مناسبت‌های بازرگانی پایدار هم عملی نموده ایستاده است.

در آینده نزدیک وظیفه‌های سرعت‌بخش گردانیدن دگرگون‌سازیهی ساختار اقتصادیات و ساحه‌های گوناگون آن، فراهم آوردن شرایط مساعد برای انکشاف عنصرها و تشکّل ساختار زیربنایی بازار، جاری نمودن مناسبت‌های سودمند بین استحصال‌کننده و

استعمال‌کننده، تقسیمات عادلانه درآمدهای جمعیتی و حل نمودن مشکلات اجتماعی اهالی در پیش‌روی ما ایستاده‌اند.

با در نظر داشت آن که شماره اهالی کشورمان با سرعت نسبتاً بلند افزایش یافته ایستاده است و طبق دورنمای آخر سال ۲۰۰۶ به ۷ میلیون نفر می‌رسد، مسئله از خود نمودن زمینهای بیکارخوابیده و استفاده ثمره‌ناک آنها امروز نهایت مهم گشته است.

یکی از سمتهای مهم ترقیات اقتصادیات این تا حد محصولات نهایی کارکرد نمودن مواد خام محلی و در این زمینه افزودن اقتدار صادرات کشور و آماده کردن جایهای نو کاری می‌باشد.

برای استفاده‌افزایشیهای سیاست بیرونی اقتصادی، حل مسئله از بن‌بست ارتباطات رهای‌ی یافتن و دارای راههای نقلیاتی معاصر شدن تاجیکستان، با کشورهای همسایه و شاهراههای جهانی پیوستن آن اهمیت بزرگ دارد.

ما با مقصد تأمین استقلالیت انرژی و از بن‌بست ارتباطات رهانیدن تاجیکستان، به حل و فصل یک قطار تدبیرهای مهم، از جمله احیا و رشد ساحه‌های صنعت و انرژی، کشاورزی و راهسازی، ساختمانی پلها و نقبهای ماشین‌گرد مشرف گردیدیم.

گذشته از این، در کشورمان از نوسازی و ساختمانی یک چند راههای ماشین‌گرد و راه آهن داخلی، از جمله بنیاد نقبهای ماشین‌گرد انزاب ادامه دارد که امسال باید به استفاده داده شود. در آینده با جلب سرمایه خارجی تعمیر و از نوسازی راه دوشنبه - خجند به نقشه گرفته شده است. علاوه بر این، امسال در دو نقب دیگر - شهرستان و شرشر، کارهای سازندگی آغاز می‌یابند که بنیاد آنها برای کوتاه و بی‌خطر کردن راههای ماشین‌گرد کوهی نهایت ضرور است.

راه بین‌المللی ماشین‌گرد دوشنبه - کولاب - خاروغ - کولمه قراقوروم امسال در تمام فصلهای سال حمل و نقل بار و مسافران را تأمین می‌نماید. بنیاد این راه یکی از دستاوردهای بزرگ تاریخی دوره استقلالیت بوده، ما را با کشورهای شرق و بندرهای بزرگ جهانی می‌پیوندد.

حالا نوبت یکم از نوسازی شاهراه دوشنبه - نورآباد - رشت - سریتاش آغاز یافته است که ما را با قرغیزستان، قزاقستان و فدراسیون روسیه، چین می‌پیوندد. این راه خیلی کوتاه و از لحاظ اقتصادی منفعت‌آور خواهد شد.

پل میان تاجیکستان و افغانستان در ناحیه خاروغ، درواز و اشکاشیم به استفاده داده شده، ساختمان پل بزرگترین در پنج پایان نیز آغاز یافته است. سالهای آینده باشد، ساختمان باز دو پل دیگر در دریای پنج در ناحیه‌های فرخارو شورآباد پیش‌بینی شده است. همه این تدبیرها به رها یافتن تاجیکستان از بن‌بست ارتباطات مساعدت نموده، برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مملکت امکانیت و شرایط‌های مساعد فراهم می‌آورند.

یکی از عامل‌های اساسی اقتدار اقتصادی دولت در شرایط کنونی، رشد ساحه انرژی می‌باشد. استقلالیت انرژی تاجیکستان تدریجاً ترقیات ساحه‌های صنعت، کشاورزی، از خود نمودن ثروت‌های طبیعی، کارکرد معدنها، پیشرفت استحصالیت و صاحبکاری خرد و میانه، خلاصه رشد استوار اقتصادی و از همه مهمش بلند برداشتن سطح و صفت زندگی مردم را تأمین می‌نماید.

روند بانظام اصلاحات اقتصادی و در مجموع انکشاف همه ساحه‌های خواجگی خلق از رشد بامرام ساحه انرژی کشور وابسته می‌باشد. تاجیکستان از لحاظ ذخیره‌های هیدروانرژی در جهان یکی از جایهای اول را اشغال می‌نماید که اقتدار عمومی ذخیره‌ایش در یک سال به ۵۲۷ میلیارد کیلو وات ساعت می‌رسد.

سالهای استقلالیت در منطقه‌های کوهستانی کشور زیاده از ۳۰ نیروگاه خرد برقی بنیاد کرده شده، حالا ساختمان نیروگاه‌های بزرگ برقی سنگتوده-۱ و راغون ادامه دارد. سال گذشته به استفاده داده شدن نیروگاه برق آبی پامیر-۱ و به معیارهای بین‌المللی مطابق گردانیدن راه ماشین‌گرد کولاب- خاروغ- کولمه -قراقوروم نه تنها برای ساکنان بدخشان و تاجیکستان، بلکه برای مردم منطقه آسیای مرکزی یکی از واقعه‌های تاریخی گردید.

وسعت تازه پیدا نمودن همکاری‌های بین جمهوری تاجیکستان و فدراسیون روسیه به احیای انشاآت مهمترین انرژی - نیروگاه‌های برق آبی «سنگتوده-۱» و «راغون» مساعدت نمود. در صورت انجام موفقانه این نیروگاه‌های تاجیکستان به استقلالیت کامل انرژی صاحب شده، همزمان احتیاجات برقی بعضی از کشورهای منطقه با نیروی برق تأمین کرده می‌شود.

ولی این اقدام هنوز ما را قناعت‌مند نمی‌سازد. برای نایل شدن به استقلالیت انرژی برابر ادامه دادن ساختمان نیروگاه‌های ناتمام، همچنین در آینده با جلب سرمایه خارجی بنیاد نیروگاه بزرگ برق آبی دشت جُم در دریای پنج در نظر است.

مرحله کنونی رشد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برای تحکیم استقلالیت دولت و ملت تاجیک نهایت مهم بوده، ما را وادار می‌سازد که پیوسته در جستجوی اصولهای نو مفید تأمین انکشاف استوار اقتصادیات، پیش بردن کارهای سازندگی و بنیادکاری، بلند برداشتن سطح زندگی مردم، مکمل گردانیدن ساختار اداری دولتی و افزودن مقام و منزلت خود در جامعه بشری باشیم.

دولت صاحب استقلال ما برای عضو کامل حقوق مناسبتهای اقتصادی بین‌المللی گردیدن، همه چاره‌ها را اندیشیده ایستاده است. حالا کوشش وارد شدن تاجیکستان به سازمان عمومی جهانی سودا ادامه دارد.

امروز، در شرایطی که استقلالیت تاجیکستان سال تا سال تحکیم می‌یابد، ما عزم قوی داریم که با بنیاد انشآت عظیم هیدروانرژی و ارتباطاتی گسترش اصلاحات را در همه ساحه‌های حیات، بخصوص رشد صنعتی ملی، پیشبرد ساحه کشاورزی و کارکرد صنعتی مواد خام تأمین نماییم.

ما با قناعت‌مندی گفته می‌توانیم که در سالهای استقلالیت تشکّل مناسبتهای نو اقتصادی و تطبیق اصلاحات بنیادی در ساحه اقتصادیات به رشد اقتصادی و اجتماعی مملکت مساعدت نمودند. با شرافت صلح و ثبات و وحدت و همدیگر فهمی پیشرفت تمام ساحه‌های اقتصادی و اجتماعی مملکت تأمین گردید. در نتیجه عملی نمودن تدبیرهای سودمند پس از سال ۱۹۹۷ نه تنها تنزل اقتصادیات بازداشته شد، بلکه برای رشد منظم و استوار آن زمینه بااعتماد فراهم آمده، افزایش تدریجی نشان‌دهنده‌های اقتصادی تأمین گردید.

رشد استوار اقتصادی و بلند گردیدن سطح درآمد اهالی به گسترش فعالیت صاحبکاری، مخصوصاً صاحبکاری خرد و میانه وابسته است. حکومت جمهوری با مقصد دستگیری صاحبکاری خرد و میانه در عمل مکانیزم پیشنهاد کردن قرضهای خرد را در ناحیه‌های دوردست کوهستان تطبیق می‌نماید که این تدبیر فعالیت بیواسطه مردم را در اقتصادیات جان‌ناک گردانیده، تدریجاً به حل و فصل مسئله شغل اهالی و پست کردن سطح کم‌بضاعتی مساعدت می‌نماید.

انکشاف بانظام اقتصادیات مملکت به ما امکان داد که در حل مسئله پست کردن سطح کم‌بضاعتی به پیشرفت نظرس نایل گردیم. در مدت چهار سال از پنج یک حصه اهالی کشورمان، یعنی زیاده از ۱،۲ میلیون نفر از دایره کم‌بضاعتی برآورده شدند.

تاجیکستان حالا در آغاز مرحله رشد استوار قرار دارد و این به ما امکان می‌دهد که نقشه‌های سازندگی و بنیادکاری خود را برای ده- پانزده سال آینده طرح‌ریزی و در عمل تطبیق نماییم. زیرا هر کاری که امروز به انجام می‌رسانیم، به خاطر آبادی و آینده نیک وطن عزیز خود، حیات آسوده نسلهای آینده کشورمان است.

تطبیق برنامه های سرمایه‌گذاریهای که به اقتصادیات کشورمان، خصوصاً ساحه‌های انرژی، صنعت و کشاورزی جلب کرده می‌شوند، سالهای نزدیک به بلند برداشتن سطح زندگی مردم آورده می‌رسانند.

عموماً استقلالیت دولتی تاجیکستان امکاناتهای بزرگ و در عین زمان مسئولیت مهم را برای رشد اقتصادیات به دوش مردم کشور گذاشته است. امنیت و آرامی کشور و حلالکاری و محنت‌دوستی خلق عزیزمان ما را به آینده‌ای درخشان روحبلند می‌نماید. شبهه‌ای نیست که ما از عهده اجرای این وظیفه‌های استراتژی با سربلندی می‌برآئیم و سرزمین اجدادی خود را به کشوری آباد و پیشرفته تبدیل می‌دهیم.

حل مسئله‌های اجتماعی، پیش از همه کمک و غمخواری نسبت به فعالان در جنگ و محنت، یتیمان و بی‌پرستاران، معیوبان و محتاجان و عایله‌های کم‌بضاعت، منبعل نیز همچون یکی از سمتهای اساسی سیاست اجتماعی دولت تاجیکستان باقی خواهد ماند.

از این لحاظ، هر سال مبلغ‌گذاری ساحه‌های اجتماعی از حساب بودجه دولتی افزون می‌گردد. تنها سال جاری قریب نصف حجم عمومی بودجه به ساحه‌های اجتماعی روانه کرده شده است. از ابتدای سال مزد محنتی کارمندان ساحه‌های بودجه‌ای، نفقه، کمک هزینه تحصیلی به حساب میانه قریب دو مرتبه زیاد کرده شد. در مجموع در پنج سال آخر از بودجه دولتی تاجیکستان به ساحه‌های اجتماعی ۱ میلیارد و ۱۶۰ میلیون سامانی، از جمله به معارف و تندرستی ۶۵۰ میلیون سامانی صرف گردیده است.

علاوه به این، طبق برنامه سرمایه‌گذاری دولتی برای سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۷ و تطبیق لایحه‌های سرمایه‌گذاری خارجی وضع اجتماعی در مملکت تارفت بهتر کرده می‌شود. امروز حجم عمومی سرمایه‌گذاری عمل‌کننده خارجی در تاجیکستان قریب ۱،۵ میلیارد سامانی را تشکیل می‌دهد.

همچنین ادامه دادن و وسعت بخشیدن اصلاحات در ساحه‌های معارف، تندرستی و تربیه متخصصان بلنداختصاص، صاحب‌معرفت و دارای جهان‌بینی وسیع که توانند

تاجیکستان را به صف کشورهای پیشرفته و متمدن عالم جای دهند، از جمله وظیفه‌های مهمترین ما می‌باشند.

علاوه به مبلغهای بودجه‌ای در دایره لایحه‌های سرمایه‌گذاری ۱۵۰ میلیون سامانی برای تطبیق اصلاحات در ساحه‌های معارف و تندرستی مصرف شده است. تنها در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵ در کشورمان ۱۱۴ مؤسسه نو تندرستی مورد استفاده قرار گرفت.

در ساحه معارف که یکی از ساحه‌های افضلیتناک است، تدریجاً تغییراتی جدی به وجود می‌آید. مکتبها فعال می‌گردند، صفت تربیتی معلّمان نیز نسبت به سالهای ۹۰ و ابتدای سال ۲۰۰۰ رو به بهبودی آورده است.

همه این پیشرفتهایی که در سمت بهبودی وضع اجتماعی اهالی نایل گردیدیم، هنوز ما را قناعتمند کرده نمی‌توانند، زیرا در مجموع حالا صفت زندگی مردم کشورمان به طلبات زمان پره جوابگو نیست. با درنظرداشت این، حالا از جانب حکومت تاجیکستان تطبیق استراتژی ملی ترقیات که در آن حل و فصل مشکلات موجوده اقتصادی و اجتماعی کشور پره پیش‌بینی شده است، ادامه دارد.

در اساس تأمین نمودن پیشروی اقتصادیات حکومت تاجیکستان منبعت نیز به انکشاف ساحه‌های اجتماعی دقت مخصوص می‌دهد. در این جاده برای بلند برداشتن حقوق ماهیانه کارمندان ساحه‌های معارف (آموزش و پرورش)، تندرستی، علم، فرهنگ و همچنین زیاد نمودن بورس تحصیلی، نفقه‌پولی و کمک به عایله‌های کم‌بضاعت دقت مخصوص ظاهر می‌گردد.

هدف اصلی و استراتژی کشور صاحب استقلال ما تطبیق عملی منفعتهای عالی دولت و ملت، قبل از همه تأمین امنیت، ثبات سیاسی و اقتصادی و فراهم آوردن شرایط مساعد برای رشد باسرعت و تحکیم اقتدار داخلی کشور است. این هدف استراتژی سنجیده، همه جانبه اساسناک و دارای میکانیزمهای مؤثر رابطه‌ها و همکاری فعال با همه کشورها و سوپرکتهای مناسبتهای بین‌الخلق را تقاضا دارد.

باید تأکید کرد که تطبیق استراتژی منطقه‌ای و بین‌المللی تاجیکستان صاحب استقلال در دوران نهایت مرگب، ضدیتناک و حساس تاریخ بشری جریان می‌گیرد. تحلیلها نشان می‌دهند که زیاده‌روی از دایره حقوق بین‌المللی و نادیده گرفتن بعضی پرنسپهای بنیادی آن برای منطقه‌ها و کشورهای زیاد سببگار مشکلات جدی می‌گردد. روندها و طلبات

ابژکتیوی آغاز قرن ۲۱ و بخصوص ضرورت حیات تطبیق موفّقانۀ منفعتهای ملیّی افضلیتها، سمتها و وظیفه‌های مشخص سیاست خارجی تاجیکستان مستقل را معین می‌نمایند. ذکر کردن بمورد است که ما روابط همه جانبه و استراتژی خود را با دولتهای اعضای جامعه اقتصادی یوروآسیا، سازمان عهدنامه امنیت دسته‌جمعی و سازمان همکاری شانکهای تحکیم خواهیم بخشید.

در روند گسترش روابط و همکاری با شریک استراتژی ما - فدراسیون روسیه مرحله صفتاً نو آغاز شد. در حل و فصل مسئله‌های نهایت مهم دوجانبه، قبل از همه مسئله قرض جمهوری تاجیکستان، پایگاه حربی فدراسیون روسیه، به اختیار تاجیکستان واگذار نمودن حفظ سرحد دولتی تاجیکستان و افغانستان، تنظیم همکاریهای اقتصادی، مهاجرت محنتی و غیره، قدمهای جدی گذاشته شد. آغاز عملی همکاری وسیع و بنیادی اقتصادی، قبل از همه در ساحه‌های هیدروانرژی، متالورژی رنگی و زیربنایی پدیده مهم و ارزشمند می‌باشد. مسئله نهایت مرگب و حسّاس مهاجرت محنتی نیز حل اصولی و نسبتاً پره خود را یافته، در مجموع همکاریهای سودمند مضمون صفتاً نو گرفت و سازگار به منفعتهای درازمدت هر دو کشور و منطقه گردید.

در عین حال، روابط تاجیکستان با دولتهای مترقی غرب و ایالات متّحده آمریکا سال تا سال گسترش تازه یافته، تقریباً همه ساحه‌ها و عرصه‌ها، از جمله سمت رابطه‌های اقتصادی و اجتماعی، دستگیری بشردوستانه، تحکیم مرزهای سرحدی و تأمین امنیت و بی‌خطری را فرا می‌گیرند.

همچنین با دولتهای پیشرفته اروپا، فرانسه، آلمان، بریتانیای کبیر، بلژیک، ایتالیا، هلند، لهستان، جمهوری چک، سوئیس و کشورهای دیگر همکاریهای اقتصادی و اجتماعی ما گسترش یافته، در ترکیب مجموعه بین‌المللی مبارزه بر ضد تروریزم عملاً همکاریهای سودمند وسعت می‌پذیرند.

گرچندی انکشاف پیگیرانه همکاریهای منطقه‌ای در آسیای مرکزی برای ما از جمله افضلیتهای اوّلین درجه باشد هم، هنوز سطح این همکاریها جوابگوی منفعتهای حیاتی و درازمدت خلقهای منطقه نیست. ما اصولاً جانبدار رفع مانع‌های ایجادشده در روابط دیرینه و همسایگی نیک، حل مسئله‌های باقیمانده در اساس معیارهای اعتراف شده بین‌الخلق و احترام متقابل می‌باشیم.

در تاریخ روابط دوستانه ما با همسایه بزرگ شرقیمان - جمهوری مردمی چین گشاده شدن گذرگاه سرحدی کولمه یک واقعه فراموش نشونده گردیده، احیای شاهراه نو ابریشم همکاریهای اقتصادی و تجارتی دو کشور را به سطح بلند می‌برد.

ما چنین می‌شماریم که این کشورهای همسایه و همجوار قادرند در ساختمانی انشآت بنیادی و نهایت فایده‌آور اقتصادی در ساحة انرژی، متالورژی رنگی، ارتباطات و ساختارهای زیربنایی، همچنین در رشد صنعت، نظام مالی، صاحبکاری خرد و میانه سهمی بیشتر داشته باشند.

باید ذکر کرد که در نتیجه کوششهای پیوسته و سازنده روسیه، چین و دولتهای منطقه آسیای مرکزی سازمان همکاری شانگهای در مدت خیلی کوتاه به یک سازمان بانفوذ بین المللی دارای وسیله‌های مهم مبارزه علیه تهدیدهای ننگلوبالی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر، تأمین ثبات و امنیت منطقه و گسترش همکاریهای سودمند تبدیل یافت.

در عین حال روابط دوستانه و همکاری وسیع را با ایران، افغانستان، هندوستان و پاکستان - کشورهایی که با آنها پیوندها و ارزشهای زیاد مشترک تاریخی و فرهنگی داریم، از افضلیتهای مهم روابط خارجی خود می‌شماریم. پیوندهای تاریخی، فرهنگی و معنوی تاجیکستان با ایران باستانی و افغانستان میراث بزرگ و ارزشمند تاریخی است که تحکیم آن به نفع این کشورها و ثبات و امنیت منطقه می‌باشد. باوری دارم که ساختمان نقب انزلب و بخصوص نیروگاه برق آبی «سنگتوده-۲» همکاریهای آینده ما را با ایران در بنیاد انشآت بزرگ اقتصادی و ساختارهای زیربنایی وسعت می‌بخشد.

همچنین روندهای امروزه همکاری را با یکی از همسایه‌های نزدیک خود افغانستان اساساً مثبت ارزیابی نموده، اعتماد داریم که آنها با نیروهای باقیمانده گروههای تروریستی و استحصال و قاچاق مواد مخدر همچون تهدیدهای جدی برای این کشور و جامعه جهانی پیگیرانه مبارزه می‌برند.

روابط و همکاری گوناگون ساحة تاجیکستان با هندوستان، پاکستان و ترکیه پیوسته گسترش می‌یابند. با مساعدت دوستانه این کشورهای دوست چندین انشآت مهم اقتصادی، ساختارهای زیربنایی و تعلیمی نوسازی و بنیاد می‌شوند. ما خواهان رشد این روابط و شرکت فعال این کشورها در بنیاد انشآت هیدروانرژی، ساختارهای زیربنایی، استحصال و ساختمانی می‌باشیم.

جمهوری تاجیکستان جانبدار اصول همکاری وسیع دولتهای آسیای مرکزی و کشورهای آسیای غربی در چهارچوبه سازمان همکاریهای اقتصادی (اگو)، همچنین بانک عمومی جهانی، بانک آسیایی رشد، بانک اسلامی، سازمان عمومی جهانی سودا و دیگر سازمانهای بانفوذ بین‌المللی و مالیوی می‌باشد. در دوام سالهای آخر در پایتخت وطنمان - شهر دوشنبه چندین ملاقات با سران این سازمانهای بزرگ و بانفوذ جهانی و منطقه‌ای برگزار گردید که خود بیانگر اعتبار و مقام بلند دولت صاحب استقلال ما می‌باشد.

مناسبتهای جمهوری تاجیکستان با کشورهای جهان عرب خوب باشد هم، هنوز امکانات و ذخیره‌های استفاده نشده همکاری وسیع و متقابلاً سودمند زیادند. ما باید در آینده روابط همه جانبه خود را با تمام کشورهای مسلمان گسترش بخشیم، زیرا خلق تاجیک تاریخاً یک جزء جهان اسلام و تمدن بزرگ اسلامی می‌باشد. تاریخ گواه است که زمانی کشورهای اسلامی در ساحه‌های علم و فرهنگ و تجارت و اقتصاد خیلی پیش رفته، دوستی و همکاری و رابطه‌های مختلف طرفین را ارزش بزرگ تمدن خویش می‌دانستند.

از این لحاظ خوب می‌شد که امروز نیز کشورهای مسلمان و سازمانهای گوناگون بین‌المللی اسلامی، قبل از همه، سازمان کنفرانس اسلامی و بانک اسلامی در این مرحله نازک و حساس جهانی شوی خطرهای عمومی بشری برای تأمین شرایط مساعد همکاری، پیشرفت اقتصادی، بلند برداشتن سطح زندگی مردم، حفظ اعتبار و سیمای واقعی اسلام، پیشگیری روحیه ضداسلامی و حقوق معنوی مسلمانان، تبلیغ و تشویق فرهنگ صلح، گفتگوی تمدنها و همزیستی آسایشته بشریت اقدامات ضروری را عملی نمایند.

گذشته از این، واقعیت پرتلاطم روز و افزایش خطرهای گلوبالی تقویت نقش عملی سازمانهای گوناگون منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و بین‌المللی را تقاضا می‌نماید. ما نقش سازمان ملل متحد را در تنظیم و سمت‌دهی نظام نوین جهانی، حل و فصل مسائل بین‌المللی و پیشگیری خطرهای گلوبالی همچون نقش مرکزی ارزیابی می‌کنیم. برای این باز هم دقیق و مشخص نمودن اسناد حقوقی و قانونگذاری بین‌المللی، متحد نمودن اقتدار و امکانات دولتهای عضو سازمان برای رعایت بی‌چون و چرا و عملی گردیدن عهده‌داری و شرطنامه‌های بین‌الخلق، وسعت دادن مکانیزمهای نظارتی و محکوم عمومی بشری به خاطر پایداری صلح و امنیت و بی‌خطری ساکنان سیاره، به نظر من، تدبیرهای بی‌می‌باشند که به افزودن نفوذ و اعتبار سازمان ملل متحد مساعدت می‌نمایند.

در عین حال، دیگر سازمانهای بزرگ بین‌المللی - قبل از همه سازمان امنیت و همکاری در اروپا، سازمان همکاری شانگهای، سازمان امنیت دسته‌جمعی، جامعه اقتصادی اورپا و آسیا و غیره می‌توانند با هدف مشخص در تطبیق مقاصد آیین‌نامه‌ای و همکاری و همدستی نزدیک با سازمان ملل متحد در برطرف نمودن اختلاف و درگیریها، هنگامه‌جویی و یگانه‌تازیها، پشتیبانی صلح و امنیت جهانی و پیشگیری خطرهای گلوبالی نقش مؤثر بازند.

جانب تاجیکستان شرکت فعال را در مبارزه مشترک با تهدیدهای گلوبالی، از قبیل تروریسم، اکستریمیزم، گردش غیرقانونی مواد مخدر، قاچاق سلاح و جنایتهای متشکلاته فوق‌ملیتی از سمتهای افضل سیاست بین‌المللی خود می‌داند. بخصوص مبارزه بی‌امان علیه قاچاق مواد مخدر که نه تنها به کشورهای آسیای مرکزی، بلکه به اروپا و امریکا و حتی سراسر جهان تهدید می‌نماید، سال تا سال در جمهوری ما وسعت می‌یابد.

ما بارها تأکید کردیم: تاجیکستان چون کشوری که چندین مراتبه هدف تروریسم بین‌المللی قرار گرفته بود، ظهورات ننگین تروریسم، اکستریمیزم و زورآوری را در همه شکل و گونه‌های آنها قطعاً محکوم می‌نماید. کشورهای پیشرفته و عموماً جامعه جهانی برای از بین بردن عاملهای تولیدکننده خطرهای نو، پیش از همه تروریسم و اکستریمیزم باید یکجایه مبارزه برند.

ولی چنان که مشاهده می‌شود، تطبیق سیاست «معیار دوگانه» هنوز هم ادامه دارد. مثلاً، باعث تأسف و تعجب است که اداره راهبری و سمت‌دهی یک مجموعه از حزبهای اکستریمیستی در مرکز بعضی کشورهای پیشرفته اروپا فعالیت می‌کند. دیگر این که به همه اعمال ضد انسانی گنهکار دانستن دین مبین اسلام و مردم مسلمان عاقبت خوب ندارد. فراموش نباید کرد که اسلام در اصل و ذات خود دینی صلح‌پرور و خلاف دشمنی و عداوت نسبت به پیروان دینهای مسیحی، بودایی، زردشتی و یهودی بوده، جوهر بشردوستی و انسانگرایی دارد.

نیروهای تخریبکار و گروههای تروریستی اسلام را تنها به صفت پرچم یا نقاب اعمال ننگین خود استفاده می‌برند که این بی‌شبهه، باعث بدنامی دین اسلام و شرف مسلمانان می‌گردد. حادثه‌های دهشتبار و عملهای ننگین تروریستی که سالهای آخر در فدراسیون روسیه، عراق، اسپانی، انگلیس و دیگر کشورهای جهان روی دادند و سببگزار قربان شدن صدها نفر کودکان و زنان شدند، تمام جهان را به لرزه آورد. در نتیجه کردار ننگین چنین

نیروهای تروریستی مردم مسلمان در کشورهای گوناگون عالم تحت فشار و تعقیب قرار می‌گیرد.

تاجیکستان همچون کشور از عملهای تروریستی و تخریبکاری آسیب‌دیده و ایجادگر نمونه نادر سازشنامه صلح آفری منبعد نیز برای تحکیم آرامی در سیاره تلاش ورزیده، جهت پیشگیری و رفع خطر تروریزم، اکستریمیزم، گردش غیر قانونی مواد مخدر و دیگر جنایتهای فوق ملیتی مبارزه بی‌امان خواهد برد.

غایه‌های وطن‌دوستی، خودآگاهی و خودشناسی، احترام به آیین و سنتهای فرهنگی ملی، همه در مجموع قسم ترکیبی سیاست ما عاید به تأمین امنیت، تحکیم استقلالیت و دولتداری ملی می‌باشند.

در شرایط کنونی، مسئله تأمین امنیت ملی و دولتی و آرامی اوضاع جامعه اهمیت اولین‌درجه و بغایت مهم پیدا نموده است. زیرا سالهای آخر در جهان یک سلسله تمایلات خطرناک، از قبیل تهدید تروریزم بین‌المللی، اکستریمیزم و خطرهای مربوط به گردش غیر قانونی مواد مخدر، فعالیت گروههای جنایتکار فوق ملیتی قوت گرفته ایستاده‌اند که آنها می‌توانند به آرامی و ثبات منطقه و کشورهای علیحده تأثیر منفی رسانند.

خطرهای موجوده بیواسطه به پایه‌های دولتداری و استقلالیت دولتی تهدید می‌نمایند. از این رو، ما باید پیشگیری این عملهای نامطلوب را همیشه در مدّ نظر داشته باشیم و برای تأمین امنیت دولت، پایداری صلح و ثبات و آرامی جامعه تدبیرهای مشخص اندیشیم.

دایره‌های سیاسی کشورهای جهان به نظر نمی‌گیرند که با محکوم نمودن دین اسلام و فشار آوردن به مردم مسلمان تروریزم را از بین بردن غیر امکان است. همزمان تروریزم را تنها با استفاده نیرو از بین برده نمی‌شود. برعکس، با درنظرداشت عاملهای پیدایش و گسترش آن باید دولتهای پیشرفته به کشورهای قفمانده و رو به ترقی و در پست کردن سطح کم‌بضاعتی در جهان کمک کرده، گفتگوی تمدن‌ها را گسترش دهند. زیرا در آغاز قرن ۲۱ مردم مسلمان که شمارشان در جهان بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر می‌باشد، در مرحله نسبتاً حسّاس و سرنوشت‌ساز دولتهای رو به ترقی ارزیابی می‌گردند.

تروریزم، اکستریمیزم و گردش غیر قانونی مواد مخدر با افراط‌گرایی سیاسی و دینی و جنایتهای متشکل فوق ملیتی ارتباط ناگسستنی داشته، به امنیت و آرامی نه تنها کشورهای علیحده، بلکه تمام جامعه جهانی خطر دارند. از این رو، جمهوری صاحب استقلال تاجیکستان

با تأمین امنیت دولت خود و حفظ دستاوردهای استقلالیت به آرامی و ثبات اهل بشر مساعدت می‌نماید.

با در نظر داشت تهدیدهای مذکور ما وحدت ملی و رضایت جامعه را که ملت تاجیک را از جدایی و پراکندگی نجات بخشید، عامل اساسی کل دستاوردهای امروزه ملت و دولت خود می‌شماریم و آنها را قدر و حفظ می‌نمایم. تشکیل جامعه دموکراتی و حقوق‌بنیاد و دنیوی با در نظر داشت سنت و آیین‌های دولرداری ملی، ارزشهای اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی و معنوی خلق راهی است که آن را مردم تاجیک بعد چشیدن میوه تلخ جنگ شهروندی انتخاب نموده است و ما با همین راه پیش می‌رویم.

در اصل جامعه دموکراتی و حقوق‌بنیاد محض به شهروندانی تکیه می‌کند که از جهت سیاسی و حقوقی با معرفت، به حفظ عدالت قادر، به رعایت والایت قانون و بنیاد جامعه شهروندی آماده باشند. دولت صاحب استقلال تاجیکان معیارهای اصیل دموکراتی را همچون عامل پیشرفت جامعه اعتراف نموده، منبعد نیز برای پیشرفت جامعه شهروندی شرایط مساعد فراهم می‌آورد.

هدف از تشکّل جامعه شهروندی هرچه بیشتر فراهم آوردن آزادی فعالیت برای شهروندان و حزبهای سیاسی و اتحادیه‌های جمعیتی، به طرز حیات متمدن مطابق شدن آنها و اشتراک دایره وسیع مردم در حیات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. ثبات وضع سیاسی در کشور ما توسط همکاری میان حکومت و سازمانهای گوناگون جمعیتی و سیاسی تأمین می‌گردد و این همکاری به رضایت و همدیگر فهمی در جامعه مساعدت می‌کند.

واقعاً، دموکراتی کردن جامعه روندی موسمی نیست و دموکراتی را در یک دوره معین کوتاه جاری کردن و فراهم آوردن غیرامکان می‌باشد. همزمان در مرحله از یک ساخت به ساخت دیگر گذشتن جمعیت به میان آمدن مشکلات و نارسائیهای زیاد ناگزیر است. تاجیکستان حالا در سرگه راه رشد جامعه دموکراتیک قرار دارد. از این رو، جامعه را به طور صناعی به تطبیق پره میکانیزمهای دموکراتی وادار کردن ممکن نیست.

جامعه تاجیکستان حالا باید امکاناتهای امروزه را واقع‌بینانه ارزیابی نماید و در زمینه رضایت و وحدت ملی، صلح و آسایش و تأمین امنیت تدریجاً پیش رود. زیرا هر یک خلق به فرهنگ و عنعنه و سنتهای ملی تکیه نموده، با راه خاص خود انکشاف می‌یابد.

تکمیل نظام سیاسی باید طوری به راه مانده شود که به کاهش جدی و قطعی فساد اداری، بوروکراتیزم و پدیده‌های دیگر منفی که اصلاً زاده روندهای خرابگری مرحله بحران سیاسی و دوران مرگ بعد نزاع می‌باشند، مساعدت نماید.

ما به شرافت استقلالیت به دستاوردهای بی‌نظیر سیاسی و فرهنگی نایل شده باشیم هم، امروز اتحاد و یگانگی و وحدت ملی، معرفت و آگاهی سیاسی، خودشناسی و خودآگاهی و احساس وطن‌داری برای هر فرد از هر وقتی بیشتر ضرور است. زیرا یکی از رکنهای اساسی تشکّل دولّت‌داری ملی و خودشناسی ملی فرهنگ و معرفت بلند سیاسی، وطن‌دوستی و وطن‌داری بوده، ما را وادار می‌سازد که ماهیت همه گونه اختلاف و جدایی اندازی را درک نمایم.

احساس نجیب وطن‌داری و صلح و آسایش را در عرف یک رکن ایمان می‌گویند. منبع و اساسهای بنیاد وحدت ملی و تحکیم دولّت‌داری در تاجیکستان از متحد خلق و پایداری صلح و ثبات، بلند برداشتن حس وطن‌دوستی و وطن‌پروری مردم، خودشناسی و خودآگاهی و افتخار ملی، تقویت بخشیدن به مقام دولت همچون حامی و کفیل حفظ منفعتهای خلق، افزایش نیروی اقتصادی کشور و نفوذ و اعتبار بین‌المللی آن عبارتند.

برای آن که زمینه‌های بنیادی ذکرشده باز هم پایدار و استوار گردند، باید اراده مردم و اندیشه ملی به هدفهای پیش‌گرفته موافقت نمایند، همچنین نیروی ذهنی جامعه به منفعت رشد روزافزون وطن فعالیت کند.

وظیفه اولین درجه همه ما استقلالیت دولّتمان را مستحکم کرده، نسل نوری و جوان را در روحیه وطن‌دوستی و افتخار ملی، صداقت به عنعنه و سنتهای تاریخی و فرهنگی ملت و احترام به ارزشهای عمومی بشری تربیه نمودن است. آنها باید شخصانی صاحب معرفت، با فرهنگ، متمدن، ایجادکار، نامبردار ملت قدیمه و دولت صاحب استقلال تاجیکستان باشند. باور دارم که در طول این پانزده سال آزادی اراده و اختیار همه فرزندان بانگ و ناموس ملت رسالت و اصالت این سنه سرنوشت‌ساز و فرخنده را درک نموده، حفظ دستاوردهای استقلالیت، پشتیبانی امنیت ملی و دولتی، تحکیم صلح و وحدت و ثبات سیاسی، تأمین رشد تدریجی اقتصادیات و هدفهای استراتژی سازندگی، ترقیات بامرام وطن عزیز و بنیاد جامعه شهروندی را از مقدس‌ترین و والاترین وظیفه‌های خود می‌دانند.

ایمان کامل دارم که شاهره هزارساله سوم برای ما عصر تحکیم استقلالیت کشور، رشد و نمو دوللرداری ملی، عصر دسلاوردهای بی نظیری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان خواهد شد. شاهره عصر نو کشور صاحب اسلقلال ما را به سوی جامعه متمدن جهانی و آینده نیک و آسوده هدایت خواهد نمود.

پایان باب نخست از تاریخ تاجیکان (این نوشتار ادامه دارد...)

نشر الکلرونیکی:

سایت پژوهش سرائ تاریخ افغانستان



www.Afghanistanhistory.net